

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دمکراتیک مردم ایران

سیاست خارجی مستقل هندوستان و نقش برجسته آن در مبارزه ضد امپریالیستی

آن تاریخ تاکنون هند در راه تحکیم مبنای استقلال سیاسی و اقتصادی خود به پیش می رود علیرغم مشکلات فراوان سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در پیشبرد سیاست مستقل ملی خود پایبند بوده و در این رهگذر به کامیابیهای چشمگیری نائل آمده است. امروز مواضع سیاست خارجی هند بعنوان یک کشور مستقل ملی و عضو فعال جنبش کشورها و غیرمتعهد می تواند برای کلیه خلقها و کشورهاییکه از بندهای استعمار و وابستگیهای امپریالیستی رهایی یافته و شالون استقلال سیاسی و اقتصادی خود را پی ریزی می کند سرمشق و نمونه باشد. هندوستان به رغم دشواریهای که در راه از میان برداشتن

سی و سه سال پیش جواهر لعل نهرو اولین نخست وزیر و پیشوای بزرگ هندوستان با برافراشتن پرچم هندوستان در "دیسوخ" واقع در بخش قدیمی شهر دلهی استقلال هندوستان را رسماً اعلام نمود. از

مسابقه تسلیحاتی و نتایج آن برای ایالات متحده (۲)
صفحه ۵

عملکردهای سیا و تبلیغات (۲) امپریالیستی

جنگ تبلیغاتی سیا بر ضد آنکولا در نوع خود نمونه وار بود. استاکول رئیس سابق گروه عملیاتی سیا در آنکولا بانا مرز "ایاکا دانس" در کتاب جنجالی خود تحت عنوان "در جستجوی دشمن از این جنگ تبلیغاتی پرده برمی دارد. او می نویسد هدف از آن بی اعتبار کردن جنبش انقلابی ملی آنکولا - میلا - و بدنام کردن سیاست اتحاد شوروی، کوبا و سایر کشورهای سوسیالیستی در آنظار آفریقایی ها و بالا بردن ارزش اعتبار گروه های مهاجر جدائی طلب هوادار غربی و چین - فنلاند و ایتالی - بود. استاکول

ماوران سیالهامد هندگان اصلی تنظیم مقالات در روزنامه های آفریقایی بود. سپس بریده های مقالات مورد نظر برای کشورهای اروپای غربی، آسیا و آمریکای لاتین فرستاده می شد. شعبه های سیا در این کشورها بریده های جراید را به روزنامه نگاران می دادند. و اینها به نوبه خود مأموریت داشتند که آنها را به تنها به ارگان های خبری توده های کشورهایشان بلکه به ژانرالیست ها و سایر رسانه های خبری بین المللی بفرستند.

سرویس های مخفی آمریکا در جستجوی بهانه هایی برای مداخله امپریالیستی در امور داخلی آنکولا
بقیه از صفحه ۲

سپیده دم پیروزی

در جنگی که رژیم بعث عراق به خواست امپریالیسم و صهیونیسم برجسته اسلامی و بر مردم انقلابی ایران تحمیل کرد - و این خیانتی نابخشودنی به آرمان رهایی خلق های ستمدیده خاور نزدیک، بویژه خلق قهرمان فلسطین بود - اینک چشمان شگفت زده جهان می بیند که دلاوری بسی - در رخ جوانان و پایداری غرور آفرین مردم ساده ما در پشت جبهه با پیروزی می دهد. جنگ با رژیم صدام، اگر هم باز چند روز یا چند هفته ای به درازا بکشد، می توان گفت که رویه پایان است. باری مصر واردن و دیگر حکومت های سر - سپرده عرب در ردی از صدام و نخواهد کرد. صدام و رژیم خونین بعث عراق به گورستان تاریخ سپرده خواهند شد و جز خاطرهای از ننگ و نفرین به جان خواهند گذاشت. ولی آیا کار تمام است؟ آیا پس از آن همه ویرانی و کشتار ناخواسته و آرزوهای هنگفت که به اقتصاد ما و همچنین البته عراق - وارد شد، ما خواهیم توانست به صلح و آرامش دست یابیم و با نیروی بازو و اراده استوار مردم خود به کار بازسازی و آبادانی و پیشرفت انقلابی روی آوریم؟

جنگ عراق با ایران توطئه ای از رشته توطئه های پیاپی آمریکا بر ضد ایران انقلابی است. بارها دلت مردان و سخنگو - یان جمهوری اسلامی ایران گفته اند که در حقیقت آمریکا - ست که با ما می جنگد. پس شکست صدام تنهایی تواند مرحله آغازین شکست آمریکا باشد. شکست صدام برای آمریکا از آن جهت خطیر است که تعادل نیروها را در صحنه خاور نزدیک به هم می زند، زنجیره هم بسته رژیم های ارتجاعی عرب را در یک نقطه حساس پاره می کند، راه را برای پیشروی انقلاب رهایی بخش در منطقه بازمی گذارد، به رژیم جمهوری اسلامی ایران امکان می دهد که دست در دست رزمندگان فلسطین و ارتش سوریه عرصه را بر اسرائیل غاصب این بازی مسلح آمریکا در منطقه، تنگ می کند. در این صورت، آیا می توان انتظار داشت که آمریکا، این دشمن اصلی انقلاب ایران

لزوم تغییر بنیادی نظام آموزش عمومی در راستای نیازهای انقلاب

لازم به یادآوری است که پیش از سال تحصیلی ۵۱ - ۱۳۵۰ تحصیلات قبل از دانشگاه شامل دوره ۶ ساله آموزش ابتدائی و متوسطه بود. از سال تحصیلی مذکور نظام آموزشی از لحاظ مراحل تحصیلی و چار تغییر گردید و به سه مرحله تحصیلی اصلی به شرح زیر تقسیم شد:
بقیه از صفحه ۷

باتوجه به این که توفیق در انقلاب فرهنگی مستلزم تغییر بنیادی در نظام آموزش عالی است و این دگرگونی باید در پیوند با وضع آموزش پیش از دانشگاه صورت پذیرد، نوشته حاضر هدف خود می داند که با بررسی نظام آموزش ابتدائی، راهنمایی و متوسطه راه حل - هایی برای بهبود وضع نظام مورد بحث پیشنهاد نماید.

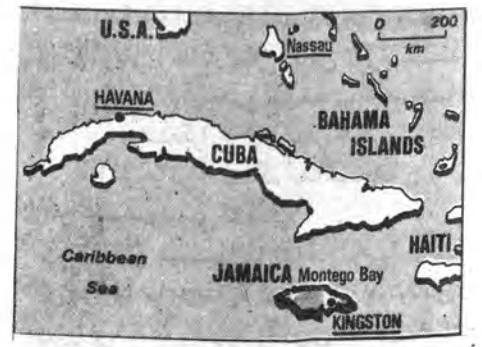
جنبش جوانان در کشورهای پیشرفته سرمایه داری

در سالهای اخیر در جنبش جوانان کشور - های سرمایه داری تغییرات قابل ملاحظه ای رویداد است. این جنبش پس از عبور از یک مرحله تعمیق و گسترش (پایان سالهای ۶۰ و نیمه اول سالهای ۷۰) برای یک دوره طولانی وارد مرحله بینابینی و گذاری یعنی مرحله مرز بندی، گروه بندی، تحکیم نیروها و تعیین جا و نقش آن در اوضاع کنونی سیاسی شده است. دستور کار لیبرال لیبرال از رهبران جنبش کارگری آلمان: نخست روشنگری و سپس به دست آوردن اکثریت در اوضاع و احوال کنونی می تواند به شمار جنبش تبدیل شود.
بقیه از صفحه ۲

اعتراضات جوانان در کشورهای سرمایه داری بر ضد مناسبات اجتماعی که زندگی شان را تباہ می سازد به چه شکل باید تجلی کند؟ آیا باید از واقعیت روبرو تافت و به نیای موهوم ضد فرهنگ پناه برد یا این که مبارزه واقعی سیاسی دست زد که مستلزم کار سازمانی "کسل کننده" اما ضروری است؟

(۱۹۷۴) سهام کنترل کننده شرکتهای بوکسیت آمریکائی و کانادائی را به خمسود اختصاص دهد. اکنون ۵۱٪ سهام متعلق به دولت است. درآمد حاصل از این اقدام برای ساختن تعداد زیادی خانه های ارزان قیمت برای خانواده های فقیر و عائله متد - صرف شده است. هشت سال حکومت دولت مانلی شاهد موفقیت های قابل توجهی در عرصه آموزش و فرهنگ نیز بود. آموزش همگانی رایگان برقرار گردید و بیش از صد مدرسه برای کودکان ساخته شد. کمک های فراوانی از جانب دولت انقلابی کوبا در زمینه توسعه نظام آموزشی به جامائیکا شده است. سیاست خارجی دولت مانلی، موضع گیری صریح ضد امپریالیستی بود. این کشور یکی از اعضای فعال جنبش غیرمتعهد ها بوده و تاکنون در رسط روابط خود با کشور بقیه از صفحه ۳

جامائیکا: قربانی کودتای خرنده امپریالیسم آمریکا



زیانبار اقتصاد کشور به سرمایه خارجی، کشاورزی عقب مانده صنعت توسعه نیافته سطح نازل زندگی را برای این جزیره به یادگار گذاشت. دولت مانلی برنامه وسیعی را در زمینه تغییرات اجتماعی و اقتصادی به نفع مردم زحمتکش آغاز نمود. نخستین اقدام دولت اصلاحات ارضی بود. به موازات آن ذخایر بوکسیت که از مهم ترین ثروت ملی کشور به شمار می رود، تحت کنترل دولت ملی قرار گرفت. جامائیکا در نیای سرمایه داری پس از استرالیا بزرگترین تولید کننده بوکسیت است. پیش از این، تنها ۱۰٪ درآمد حاصل از صادرات این ماده معدنی به جامائیکا تعلق داشت. مالیات جدید بر صدور بوکسیت به دولت امکان داد که ظرف یک سال میزان درآمدش را به ۶۰٪ افزایش دهد. انحصار خارجی با کاهش عملیات شان با تصمیم دولت به مقابله برخاستند. لذا دولت تصمیم گرفت

جامائیکا جزیره ای است واقع در دریای کارائیب که رویهم رومیلیون جمعیت دارد. این جزیره پس از سالها مبارزه ضد استعماری در سال ۱۹۶۲ در چارچوب جامعه کشورهای مشترک المنافع به استقلال رسید. از سال ۱۹۷۲ حزب توده ملی که یکی از احزاب مترقی این کشور است با پیروزی در انتخابات زمام امور را بدست گرفت. این حزب در انتخابات سال ۱۹۷۶ دوباره به پیروزی رسید. از لحظه پیروزی دولت مایکل مانلی رهبر حزب توده ملی با انبوهی از مشکلات خطیر روبرو بود که میراث سلطه برین بریتانیا است. استعمار انگلیس وابستگی

در صفحات دیگر
قتل عام در کامبوج (۴)
صفحه ۶
داستان: شب هفت
صفحه ۴

بقیها ز صفحه ۱

عملکردهای سیا...

در باره حضور مشاوران شوروی در این کشور به جعل خبر می پردازند. در صورتی که به گفته استاکول آن زمان هیچ پرسنل شوروی در آنکولا وجود نداشت. هنگامی که کویاها به تقاضای دولت انقلابی قانونی آنکولا برای دفع حمله‌ای که واحد های آفریقای جنوبی در آن شرکت داشتند به کمک آنکولا شتافتند، بید رنگ مبلغین سیا در باره "قجایمی" که به دست آنان صورت گرفت به داستان ها ساختگی بود، چگونگی استاکول نوشت بین کویا و آنکولا دوستانه ترین روابط برقرار شده است.

به گفته استاکول، روزنامه های آمریکائی که این دروغ ها را پخش می کردند خود "شکی" نداشتند که خیلی راحت فریب خورده اند. او می نویسد: "ماتیلیفات فعالی در افکار عمومی آمریکا براه انداختیم که نتایج اسف انگیزی به بار آورد. آمریکا نیاهائی که به تبلیغ ما برای جنگ در آنکولا عزیمت کردند، دست به خودکشی زدند... هدف از پوشیده نگاه داشتن شرکت ما در امور داخلی آنکولا این بود که آنچه در آنجا اتفاق می افتاد آنچه که ما در آنجا انجام دادیم از دید مطبو

غات آمریکا و افکار عمومی پوشیده بماند."

تبلیغاتچی های سیا کوشیدند سازمان ملل متحد را در قضیه آنکولا تحت فشار قرار دهند. از این رو، پ. ساندرز مأمور سیا به نوشتن یک کتاب سفید در باره آنکولا پرداخت. آنگاه این کتاب را به نام "فلا" در همه کشورهای آفریقای منتشر کردند. در رپائیز ۹۷۵ کتاب مذکور را بین نمایندگان مجمع عمومی سازمان ملل متحد پخش کردند و برای واقعی جلوه دادن آن یکی از مأمورین سیا آن را به فرانسه مقلوب ترجمه نمود.

مضمون و روش تبلیغات غرب در باره حوادث افغانستان امکان می دهد که تأیید نماییم که این تبلیغات به وسیله رهبران ارکستر صاحب تجربه ای هدایت می شوند. در بین آنها کسانی هم وجود دارند که از ستاد فرماندهی سیا در لانگلی تعلیم می گیرند. مسأله افغانستان یگانه مورد وحشی مورد اصلی های هوی تبلیغات ضد شوروی در بین محافل رهبری آسیانست.

این کارزار خیلی پیش از اینها شروع شد. هدف از آن آماده کردن افکار عمومی جهان بر ضد تشنج زدائی و سیاست همزیستی مسالمت آمیز در سراسر جهان است. به گفته یکی از روزنامه نگاران لیبرال آمریکا، ایالات متحده بنا بر موقعیتنا مساعد بین المللی ناچار به این تشبثات

است. او می نویسد: "۵۱ یا ۲۰ سال پیش سیا می توانست حکومت های ایران، عربستان سعودی، ونزوئلا، نیجریا را به خاطر افزایش شدید بهای نفت سرنگون سازد. و اگر در کارش توفیق نمی یافت، واشنگتن به این کشورها لشکر کشی می کرد. اما پس از جنگ ویتنام انجام چنین عملیاتی بسیار دشوار شده است. وانگهی جو بین المللی و وضعیت روحی افکار عمومی آمریکا و جهان تغییر کرده اند. از این رو، استراتژیها و تبلیغات - چی های واشنگتن (از جمله سیا) به استدلالات در باره "منحنی بحرانی" که در خاور نزدیک، خلیج فارس و اقیانوس هند بوجود آمده هجوم آوردند. آنها با توسل به خطری که کویا متوجه منافق آمریکا است و به زعم شان این خطر از منطقه "منحنی بحران" سر بر می آورد، تلاش می ورزند توسعه ناکهائی حضور آمریکا در اقیانوس هند و نزدیک خلیج فارس و نیز تصمیم شان را در باره ایجاد "نیروهای مداخله" سریع توجیه نمایند. به همین مناسبت در گزارش کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده به بیست و دومین کنگره ملی آن که در اوت ۱۹۷۹ برگزار شد آمده است: "هدف اصلی (استرا- تزی امپریالیسم) ایران، افغانستان و یمن جنوبی" است. در میان قربانیان تجاوز و

تحریک نظامی آمریکا، ایران و افغانستان از جمله کشورهای هستند که متحمل سخت ترین رنج ها شده اند. به عقیده "مجله آمریکا" تا به امروز زوئیه گذشته برزنسکی مشاور امنیتی کارتر در گفتگو با روزنامه نگار آمریکائی اعتراف کرد که نسبت به کامیابی مبارزه "شورشیان مسلمان" بر ضد انقلاب افغان امیدوار است و آشکارا به این واقعیت اشاره کرد که ایالات متحده می تواند به این شورشیان مخفیانه کمک نماید. بدون شک برزنسکی می دانست که از چه حرف می زند، زیرا در شورای امنیت ملی ریاست کمیته ویژه هماهنگی را عهده دار بود که یکی از وظایفش تصویب عملیات نظامی آمریکا است. "الشعب پس از ورود واحد های محدود ارتش شوروی به افغانستان برای حفظ انقلاب خلقی این کشور را کردند ضد انقلاب و دفع تجاوز آمریکا - پاکستان - چین نوشت: "سیاه عوامل خود در کشورهای اسلامی دستوراتی که بر ضد موسسات شوروی منطقه مأموریت شان دست به تحریک و آشوب بزنند و رسانه ها هم توجه عامه مردم را به این حوادث جلب کنند. هدف از این نوع برنامه ریزی - های روانی "مخفی" متخصصین سیا و دیگر مراکز تبلیغاتی امپریالیستی تاریک ساختن وجدان صدها

میلیون انسان در کشورهای مختلف جهان و جلوگیری از نهضت جهانی تحکیم صلح و امنیت در جهان بر ضد جنگ هسته ای و تعمیق و گسترش تشنج زدائی و همیاری بین خلقی - هاست.

بدیهی است که هیچ یک از این ترغیب ها و وسالوس ها نمی تواند طرح - های خطرناک تجاوز کارانه ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر از دولتهای امپریالیستی را که با هدف استراتژیک و اقتصادی بر ضد اروپای غربی، خاور نزدیک و دیگر مناطق مهم جهان تدارک دیده شده اند، مستور نگاهدارد. فرمانروایان ایالات متحده علی رغم نقابی که به چهره می زنند، همان سخت شدن سیاست خارجی است. هرگونه سیاست بازی کردن نقش "ژاندارم جهانی" مضمون اصلی این سیاست است. تأثیر متقابل سرویس های مخفی امپریالیستی و ارگان های تبلیغاتی بورژوازی چیز تازه ای نیست. این کار از پیش از جنگ اول جهانی، مخصوصا در سرویس های مخفی انگلیسی و آلمانی به نظم درآمد. در مورد سیا می توان گفت که رئیس جمهور هاری ترومن "قانون سازمان دادن عملیات مخفی روانی و تبلیغاتی" را در دسامبر ۱۹۴۷ (سه ماه پیش از ایجاد مرکز جاسوسی تصویب نموده بود. (ادامه دارد)

بقیها ز صفحه ۱

جنبش جوانان...

جنبش برآمده از بحران

برای این که بتوانیم به علت ها، انگیزه ها و هدف های جنبش جوانان پی ببریم، نخست به روشننگری احتیاج داریم. از آنجا که رسیدن به آگاهی اهمیت فراوان دارد، مبارزه ایدئولوژیکی حاد و پیرامون مسائل آگاهی و حقوق جوانان جریان دارد. نویسندگان بورژوازیان تفسیرنا درست گره های اعتراضات جوانان نخست می گویند از صنعتگری درست آنان در سبایل اجتماعی جلوگیری و سپس با ایجاد سد های ایدئولوژیکی نمی گذارند که آنها به متحدین مطمئن سیاسی طبقه کارگر تبدیل شوند.

آنها این تئوریه پیش می کنند که گویا زایش و پیشرفت های جنبش جوانان و شکل های آن که این جنبش در سالهای ۶۰ و ۷۰ پیدا نمود نمی توان به وسیله مبارزه طبقاتی تعبیر و تفسیر نمود. بین جامعه شناسان بورژوازی برخی ها معتقدند که هنگام تحلیل کنش های جوانان استناد به تقسیم جامعه به طبقات ناممکن است (هربرت مارکوزه چنین برخوردی دارد). برخی دیگر به این معتقدند که منازعات طبقات اجتماعی روبرو گاهش است، اما منازعه نسلیا به عنوان منازعه فرهنگ های مختلف افزایش می یابد. عد های همچون ج. هابرماس فیلسوف آلمان غربی اعتراضات دانشجویان را صرفا واکنش روانشناسانه تلقی می کنند و مدعی اند که این واکنشها بطور مجزا بوجود می آیند و هر جامعه با آن روبروست و بنابراین پایه اقتصادی ندارد.

جنبش جوانان در سالهای ۶۰ و ۷۰ تنها در رابطه با بحران عمومی سرمایه داری پیدا پیش یافت. این واقعیت انکارناپذیر است. این جنبش تضاد های شدید تازه را به شکل متمرکز نمایان ساخت. این تضادها که عبارتند از: تضاد بین جامعه و طبیعت،

سازمان اجتماعی و فرهنگ، شکل های سرمایه داری استعدادها و استعداد های بشری و فردیت انسان به تضاد های پیشین رژیم سرمایه داری که همانا تضاد کار و سرمایه، خصلت اجتماعی تولید و شیوه خصوصی تملک است. افزوده شد.

حتی تئوری پردازان غیر مارکسیستی که به کنکاش در جنبش اعتراضی جوانان اشتغال دارند، ناچار شده اند اعتراف کنند که گرایش های معنوی جوانان شورشی سالهای ۶۰ و ۷۰ بحران را در خود منعکس کرده اند. ک. د. کلی جامعه شناس آمریکا تأیید می کند که "فرهنگ معاصر جوانان نتیجه شکافی است که بین نیازهای اساسی بشری و امکانات اجابت شان در جوامع صنعتی وجود دارد" (البته منظور از جوامع صنعتی کشور های صنعتی سرمایه داری است). سیاسی شدن جنبش دانشجویان مستقیما مربوط به این است که همه شرکت کنندگان آن نسبت به بی عدالتی و انزوای اجتماعی و قوف یافته اند. انگیزه های آن را باید در خود ماهیت رژیم سرمایه داری و همچنین تصمیم آن به یافتن مفرد بشری جستجو کرد.

باز می توان از تعداد زیاد از نویسندگان مختلف نام برد که همان فکر را بیان می دارند البته که ساله روشن است: علت اصلی ورود جوانان به صحنه مبارزه سیاسی، این یا آن معایب سیستم تربیتی، قانون یا منافع ویژه جوانان و یا مشکلاتی که آنان در موقع ورود به جامعه با آن روبرو می شوند، نیست. علت اصلی تضاد های ساختار سرمایه داری انحصارگر و ولتی است که از طریق مشکلات و معایب مذکور رخ می نمایند.

منطق تاریخ

در هر جامعه جوانان نماینده امکانات بشری پیشرفت و تحول اند. به این دلیل است که جوانان تأثیر منفی جامعه بورژوازی را روی این امکانات شدید احساس می کنند.

ف. ا. اسلاتر سیاسی نویسنده آمریکائی می نویسد: "فرهنگ قدیم، در برابر ضرورت انتخاب متعایل به این است که حقوق مالکیت را بر حقوق فرد، الزامات پیشرفت علمی و فنی را بر نیازهای بشری، رقابت را بر همیاری، وسایل را بر هدفها، کنش های پنهانی و پنهان کاری را بر صداقت و راستی، تماس های شخصی صرفا صوری را بر تحقق امکانات فردی ترجیح دهد... روح انتقادی ایدئولوژی اعتراض جوانان از تضاد موجود بین امکانات دگرگونی واقعیت، که از "موسسات" محصور

است و زندگی روزمره، بوژوازی نتیجه می شود. اعتراضات توده های دانشجویان بر ضد میلیتاریسم مولود مجتمع نظامی - صنعتی، مصرف دیوانه وار، بوروکراتیسم نهادها و موسسات، منجمله دانشگاه ها و خلاصه اعتراض به شیوه زندگی بورژوازی و فرهنگ بورژوازی در مجموع نمودی از جبر تاریخی و ناممکن بودن گریز از قوانین تاریخ است. در پس فعالیت ایدئولوژی آزاد و خلاق که الهام بخش دانشجویان است اعم از این که آنها بخواهند یا نه، نیم رخ ایده آل سوسیالیسم کارگری نمایان است، زیرا چنین فعالیتی که در مقیاس وسیع انجام گیرد، تنها در شرایط سلطه مناسبات تولیدی سوسیالیسم کارگری میسر است.

در نگاه اول این نکته عجیب به نظر می رسد که روشنفکرانی که خصلت پرولتری پیدا می کنند گاه در برابر تضاد های اجتماعی - فرهنگی سرمایه داری بیشتر از برخی از قشرهای پرولتاریا مخصوصا پرولتاریای آمریکا شغالی حساسیت نشان می دهند. با این همه این پدیده بیان وانگیزه های خود را دارد. مثلا خصلت نامعقول مصرف توده های (که در شرایط تولید سرمایه داری دوران کنونی دیده می شود) واکنش منفی ویژه ای در روشنفکران بر - انگیزتو این در بسیار جهات به این علت است که آنها هرگز با دلهره های فقر

جسمانی روبرو نبودند. چشم پوشی از فرهنگ توده های بورژوازی که در دنیا امروز با خیره وسیله ناگزیر سرکوبی اخلاقی زحمتکشانی تبدیل شده، در نزد دانشجویان دانشکده های علوم انسانی که امکان داشته اند در سطح حرفه خود و با فرهنگ کلاسیک آشنایی پیدا کنند، واقعا شکل بسیار نمایانی پیدا کرده است.

نویسندگان غربی که ماهیت این پدیده را بد فهمیده اند، با شتاب تز محافظه کاری طبقه کارگران انتقال ابتکار تاریخی به روشنفکران و دانشجویان را پیش می کنند. حتی اگر شعور سیاسی روشنفکران انقلابی فراتر از شعور سیاسی قشرهای عقب مانده کارگران باشد، با زانها نمی توانند کاری جز نزدیک شدن به پرولتاریا انجام دهند. لنین تأکید می نمود: وظیفه ای که بر عهده روشنفکران انقلابی است، عبارت از فرمول بندی شعور پرولتری بر شالوده های علمی و کاربرد آن در جنبش کارگری است. و گرنه این سبقت به معنای جدائی روشنفکران از جنبش کارگری و تنزل آن به انشعابی است که فعالیت شان را به اعتراض معیوب می کشاند.

در قرن بیستم غالباً شاهد بودیم که نفی ظاهر سازش ناپذیرشکل از ایدئولوژی بورژوازی است یعنی در آخرین تحلیل به منافع سرمایه داری خدمت می نماید اگر چه بر ضد برخی جنبه های آن رهبری شده باشد. دانشجویان ضمن شورش صادقانه بر ضد خصلت ضد بشری تمدن سرمایه داری نتوانستند از ریشخند تاریخ "که در ضد فرهنگ" به نمایش در آمد، بهره یزدند. **ضد فرهنگ:**

جنبه های مرعی و ماهیت واقعی آن
تئوری پردازان "ضد فرهنگ" که آن را جزیره کوچک آزادی در سلطنت جبرگرسی توصیف کرده اند، کوششی برای ایجاد شکل های ویژه همبود و سبک زندگی در جامعه به بقیه ز صفحه ۳

بقیه از صفحه ۱

جامائیکا: قربانی کودنای...

— های سوسیالیستی کامپانی میثی برداشته است.

این خط مشی اصولی با واکنش خشمناکین ایالات متحده و مخالفت سرمایه داران استعمارگر داخلی که منافع خود را از تعمیق جهت گیریهای ضد امپریالیستی دولت در خطر می بیند روبرو کردید. از این رو در آستانه برگزاری انتخابات جدید مبارزه کین توزانه را منهدم برای برانوردن دولت مانلی آغاز کردید.

حزب کارگر که مدافع منافع بورژوازی بزرگ است، در کارزار عظیم ضد دولتی نقش فعال داشت. در نخستین دهه استقلال جزیره قدرت در دست این حزب بود. رهبر این حزب وارد سیگاست که علنا هوادار آمریکا است. مترجمین جامائیکا که به سرویس های مخفی واشنگتن تکیه دارند از هیچ اقدام خرابکارانه برضد دولت ملی دریغ نداشته اند. آنها هم در تخریب اقتصادی وهم در توطئه ها و سوء قصد ها برضد اعضای دولت و مبارزان حزب توده ملی نقش فعال داشتند.

کارفرمایانی که در اقدامات دولت دست به اخلاص زده و به آشوب های جمعی می پردازند و پرداخت حدود ۳۰ میلیون دلار از کشور خارج کردند. روزنامه های ارتجاعی همه توان خود را در تخریب جهانگردی (توریسم) که یکی از منابع مهم درآمد سنتی است بکار گرفتند. آنها وضع جامائیکا را چنان وخیم نشان می دادند که هیچ خارجی جرأت دیدار از این جزیره زیبارند داشته باشد.

البته مشکلات عینی اقتصادی هم در این کشور وجود دارند. مثلا نابسامانی های اقتصادی کشورهای سرمایه داری به علت حفظ روابط سنتی جامائیکا با آنهاساروی اوضاع اقتصادی این کشور تأثیرات زیانباری دارند. کسری موازنه پرداخت ها مخصوصا به دلیل بالا رفتن بهای نفت و دیگر واردات بطور قابل ملاحظه افزایش یافت. قرضه های خارجی به بیش از یک میلیارد دلار رسید. صندوق بین المللی پول برای بهبود این وضع به جامائیکا پیشنهاد وام نمود. اما چنان شرایط بازپرداخت آن برای دولت قابل قبول نبود آن را رد کرد. کشورهای دوست چون لیبی، کوبا و چند کشور دیگر اعتبار لازم را در اختیار جامائیکا قرار دادند. موافقت نامهای هم بین جامائیکا و دولت مکزیک برای دریافت نفت در برابر صدور بوسکیست در فوریه گذشته به امضاء رسید.

همزمان با مشکلات اقتصادی سازمان مرکزی اطلاعاتی آمریکا (سیا) برای ساقط کردن دولتی که از واشنگتن فرمان نمی برد و نیز برای ناآرام ساختن اوضاع کشور علنا دست به عملیات تخریبی و تروریستی زد. لویی ولف سردبیر مجله آمریکائی کاورت آکشن در یک کنفرانس مطبوعاتی که در دوم ژوئیه در کینگستون پایتخت جامائیکا برگزار شد، از ۱۵ عامل سیا که در جامائیکا زیر پوشش دیپلمات کاری کردند، نام برد. به گفته جان استاکول همکار سابق سرویس های مخفی ایالات متحده، سیار روزنامه نگارانی را به استخدام در آورد تا با نوشته های خود وضع واقعی کشور را به منظور برهم زدن اعتماد مردم نسبت به دولت شان وارونه جلوه دهند. این عملیات تنها به جنگ روانی محدود نبود. باندهای تروریست برای به آشوب کشیدن کشور دست به ایجاد حریق، بمب گذاری و کشتار رهبران حزب توده ملی و اعضای کابینه زدند. در اوایل اکتبر توطئه ای برای قتل نخست وزیر مانلی و وزیر دفاع

ملی دادلی تامپسون ترتیب داده شد که به تصادف از آن نجات یافتند. چند روز بعد معاون وزیر دفاع ملی ویکی از رهبران حزب توده ملی در کینگستون به قتل رسیدند. حزب کارگرنیز به سازمان دادن واحدهای مسلح به سلاحهای آمریکائی پرداخت. چندین اردوگاه در فلوریدا مشغول تربیت مزدورانی برای انجام عملیات خرابکارانه در جامائیکا شدند. به کمک سیا از سیامی "نجم آزادی جامائیکا" و از نیویورک "دوستان جامائیکا" آزاد "سلاح" پول و نشریه های برانوردن به جزیره اعزام شدند.

حزب توده ملی از جانب سندیکا های متعدد و حزب زحمتکشان که موضع مارکسیستی — لنینی دارد، پشتیبانی می شود. حزب توده ملی در کنفرانس سالانه خود در ماه اکتبر مسائل مهم سیاسی و اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی کشور را مورد بررسی قرار داد. کنفرانس در قطعنامه های خود بار دیگر سمت گیری سوسیالیستی حزب توده ملی را تأیید نمود و ضرورت مبارزه برای دفاع از حق حاکمیت و منافع ملی را مورد تأکید قرار داد.

بدین سان می بینیم که انتخابات جزیره باصف آرائی و نیروی متخاصم انقلابی و ارتجاعی در جو کمونیست ستیزی مبتذل و ترور افسارگسیخته برضد رزمندگان حزب توده ملی برگزار شد.

در چنین جو سموم حزب کارگر جامائیکا که از جانب محافل امپریالیستی آمریکائی پشتیبانی می شود در انتخابات پیروز شد. مشکلات اقتصادی کشور (تورم، ترقی بهای نفت در بازار جهانی و کمبود کالا های مورد مصرف) در نتایج رأی اثر گذاشت. حتی پیش از اعلام نتیجه قطعی انتخابات، مقامات رسمی واشنگتن با عجله احساسات دوستانه شان را به دولت جدید ابراز داشتند. و این تعجبی ندارد. در سالهای اخیر محافل امپریالیستی به ساقط کردن حکومت مانلی که با سلاح مالی و اقتصادی با آن به جنگ برخاسته بودند علاقه خود را آشکارا نشان می دادند. به عقیده آ. آ. یانگ نماینده پیشین آمریکا در سازمان ملل متحد شورای امنیت ملی ایالات متحده با سود جستن از آشوب های سیاسی و تشدید مشکلات اقتصادی در راه بی ثباتی جامائیکا تلاش می ورزیدند. در حقیقت هدف آمریکا سرنگون کردن دولت مانلی است.

محافل دولتی ایالات متحده می خواهند که در ریای کارائیب به "دریاچه داخلی" تبدیل شود. نقش فعال جامائیکا بین کشور های غیر متعهد و همبستگی وی با جنبش های رهائی ملی و بطور کلی نیروهای ضد امپریالیست بخصوص در منطقه مطابق میل محافل مذکور نبود.

حزب کارگر جامائیکا برخلاف حزب توده ملی که به استقلال سیاسی و اقتصادی و دگرگونی های اجتماعی — اقتصادی گرایش دارد، از مدل پورتوریکوئی الهام می گیرد. چنان که نخست وزیر تازه او وارد سیگاسته است: نزدیکی جغرافیائی با ایالات متحده بزرگترین ثروت ملی جامائیکا است. کابینه ای که او تشکیل داد تمام درها را به روی سرمایه خارجی گشود. او امیدوار است. با برقرار قرار روابط بازرگانی و اقتصادی ویژه با ایالات متحده از کمک مالی مهمی برخوردار شود. نخستین گروه "مشتریان" پروپا قسرس آمریکا در زمینه اول نوامبر گذشته کمی پس از انجام انتخابات از این جزیره بازدید کردند آنها نمایندگان چند کمپانی وابسته به صنایع نفت و آلومینیوم، صنایع تبدیل مواد، پوشاک، صنایع غذایی، ساختمان و کشتی سازی بودند و واشنگتن پست که وابسته به وزارت امور

خارجه آمریکا است از کمک مالی به مقامات جدید جامائیکا حسن استقبال نمود. صندوق بین المللی پول که زیر نظارت واشنگتن قرار دارد در گذشته به تخریب مواضع دولت مانلی کمک نموده بود، با روی کار آمدن دولت حزب کارگر واکنش مساعد نشان داد. به نوشته مطبوعات، این صندوق پس از مذاکره با مقامات جدید تصمیم گرفت است طی سه سال آینده ۶۰۰ میلیون دلار وام به این کشور دهد. صندوق بین المللی پول وعده داده است که به دولت تازه جامائیکا کمک خواهد کرد که موافقت نامه های اعتباری و مالی با سایر کشورهای شرکت های خصوصی منعقد نماید. به توصیه این صندوق برخی بانکهای بازرگانی غربی وام هایی را که به علت روی کار بودن دولت ضد امپریالیستی مانلی معلق گذارده بودند دوباره به جریان انداختند.

افکار عمومی دموکراتیک کشورهای حوزه کارائیب سخت نگران تصمیم رهبران حزب کارگر در تشکیل یک بلوک منطقه ای از کشور

بقیه از صفحه ۲

جنبش جوانان...

بورژوازی، شکلی از تربیت شخصیت بطور غیر سنتی و نیز تکوین دریافت جدیدی از جهان می باشد. تفاوت "ضد فرهنگ" با دگرگونی ها سوسیالیستی ترقیخواه گذشته در این است که گرایش به "روبرتافتن" از واقعیت دارد. بنا بر این تعجبی ندارد که ستایشگران "ضد فرهنگ" مبارزه برضد حکومت ها را همچون اشتباه انقلابات "کلاسیک" تلقی کرده اند. به عقیده آنها بدی بطور کلی در انسان است، و از این رو مبارزه برضد آلودگی محیط اجتماعی بلکه باید برضد آلودگی ارواح جریان یابد.

البته، سرمایه داری معاصر ارواح را در مقیاسی کمتر از محیط زیست و محیط اجتماعی آلوده نمی سازد. ولی انسان از خود می پرسد که آیا این شورشگران با منحرف شدن از راه کسرتده، مبارزه در راه دگرگونی بنیادی مجموع سیستم اجتماعی و کام نهادن در جاده تنگی که به پاکسازی اخلاق پیشین شهرت دارد، کار درستی انجام می دهند؟ بدیهی است که عمل آنها تنها به ترمیم سرمایه که کم می کند ضد فرهنگ یک رشته تضاد های خاص وجدان بیمار بورژوازی را که در مان ناپذیرند برجسته می سازد. وجدانی که رهائی را در هسیان "کلی" برضد تمدن می داند. آید ثو — لوزی رادیکال های چپ آن رایگانه وسیله برای تکان دادن دنیا ی خرد بورژوازی اعلام می دارد، در حالی که از انسان "یک بعدی" که آزادی را برابر "بردگی راحت طلبانه" معامله نموده، قطع امید کرده است. این آید ثو لوزی سرچشمه معقول بودن سرمایه داری معاصر را نه در مناسبات اجتماعی بلکه با همه اصولش در زمینه حقیقت عینی، ضرورت و واقعیت که فرد تنها را در نوع خود مقید و منکوب می سازد، در عقل می یواند. این مفاهیم که بطور وسیع رواج یافته اند، واقعیت ناتوانی وجدان بورژوازی را در علت های مادی بحران جامعه سرمایه داری معاصر نشان می دهد.

این عقل "سرکوب شده" شره کار است. از این رو، فرهنگ "جدید" باید مبتنی بر یک چیز مخالف با کار یعنی بازی به عنوان سرمشق واقعی آزادی باشد. چنین است. تضاد اصلی "ضد فرهنگ". به گفته یکی از طرفداران این تئوری در روزگ آید ثو لوگ آمریکا، قناعت وجدیت باید جایگزین راه دریافت های کود کانه — ای چون لذت و شادی بازی کردن، آذین راهپسوی یک (۱) و تخیل الهامی "جادوگران و هنرمندان نقاش بسیار دارد. او عقیده دارد که

های دارای سمت گیری مشابهند (بارباد، باهاما، بلیز) که در راس شان جامائیکا قرار دارد. هدف این بلوک مخالفت با کشور های ترقیخواه منطقه و خدمت به امپریا — لیسیم با حربه زور برضد "رادیکال شدن" توده های خلق آن سامان است.

این تلاش ها زیر پرچم کمونیست ستیزی سازمان می گیرد. کمک خلق کوبا به جامائیکا برای ساختن مدرسه، سازمان دادن خدمت بهداشتی، پرورش کاد رطبی به عنوان فعالیت براندازی کمونیستی وانمود شده است سازمان سیا این اقدامات انقلابی و رهائی بخش را همچون چماق علیه دولت مانلی به کار گرفت. به خاطر همین توطئه است که دولت جدید سفیر کوبا را برای ادای توضیح احضار نمود.

باروی کار آمدن دولت وابسته به حزب کارگر که در حقیقت با کودنای خزنده بقدرت رسید دوره "بفرنج جدیدی در جامائیکا آغاز شده است"

برقراری سبک زندگی "جدید" از راه "انقلاب روحی ظریفانه" و تغییر ساختگی وضع روحی انسان با استعمال مواد مخدر و الکل آسان می شود. امروز وضع روحی انسان نه به وسیله استثمارگران، بلکه بر اثر انضباط تکنوکراتیک فرسوده می شود. به عقیده روزگ انقلاب نه یک کار سازمانی جدی و موشکافانه بلکه کار ناوال و جشن "آزادی مطلق" است.

نمی توان انکار کرد که دریافت روزگ مانند دریافت سایر تئوری پردازان "ضد فرهنگ" — ناوی اعتراضی برضد تمدن بورژوازی است. البته در این اعتراض نفی انقلابی شیوه زندگی بورژوازی وجود ندارد. بلکه صرفا اعتراض به نارسائی آن است.

کوشش در این که "ضد فرهنگ" نوعی مبارزه سیاسی برضد سرمایه تلقی شود خطر جدی برای جنبش جوانان است. چنانکه هربرت مارکوزه که در لفظ اهمیت اتحاد سیاسی پرولتاریا و دانشجویان را نفی نمی کند. عقیده دارد که کامیابی فعالیت های انقلابی تنها در صورتی ممکن است که "شورشگران" از "فرمان عقل" که طبقه کارگر خود را بر نفوذ آن می بیند، رو برتابند و به تخیل سوریالیستی میدان دهند. مفهوم واقعی اندیشه های بیامیران خرد — بورژوازی "انقلاب نوین جهانی" که در اروپای باختری و آمریکا سنکر گرفته اند از آنجا بر ملا می شود که آنها علی رغم نیت ذهنی شان هیچ عنصر جدی دموکراتیک در اعتراضات دانشجویان — یان "ملاحظه" نکردند و فقط شکل های جدید این اعتراضات را برای مضمون آن انتخاب کرده اند.

برخی از دانشجویان بسیار روشن بین مانند اعضای "دیو آکلوب" ایالات متحده از دهه ۶۰ این پنداره های ارتجاعی را که به عنوان اکسیری برضد معایب تمدن غرب به آنها پیشنهاد شد نفی کرده اند. بسیاری شرکت کنندگان جنبش اعتراضی تنها بر اساس مواضع نزدیک مارکسیسم از دریافت های هربرت مارکوزه انتقاد کرده اند، بلکه ابتکار شخصی در غلبه به افراطیون چپ در پیش گرفته اند.

درباره نفی انقلابی

امروز وضعیت جنبش دانشجویان بنا بر پیشرفت در دریافت های جدی و واقع گرایانه توصیف می شود. قشر های واقعا دموکراتیک جوانان در باختر که زیر پرچم "انقلاب شان — مانه" متحمل ناکامی ها و شکست ها شدند به مطالعه آثار تئوری های جهان بینی کارگری روی آوردند. آنها در جستجوی پاسخ به بقیه از صفحه ۶

شب هفت

محمد رضا رحیمی

شب را گلوله باران کرد بودند. از سربش تا نیمه های شب گاه گلوله ها روسوی ستاره هاداشت و گاه برد یوارها می نشست، اما شب بود و گلوله می بارید ناخورشید جوانه زد.

محمود که ز خواب بیدار شد. آثار کم خوابی و دید خوابی در چهره اش هوید بود. چشمهای یف کرده . موها ژولیده پیشانی در هم فرورفته . رختخوابش را بایی میلی جمع کرد. همانجا کنار اتاق انداخت . بدنش خسته بود. از اتاق بیرون نیامده بود کهدر رش از رخانه وارد شد. نزد یکتر آمد. محمود گفت : سلام .

مادرش که توجهات مشغول جارو کردن بود، کمر راست کرد. ایستاد. پرسید :

چون شده ؟

مرد از زله ها بالا رفت . لب ایوان نشست و گفت :

اجازه ندادن !

زن گفت : می دستم . و جارو را محکم تر و تند تر بر زمین کشید. وزیر لب غرولند کرد :

خدا از لیلشان کنه !

محمود گفت : عزاداری هم قدغنه ! ؟

فرماند ار نظامی دستور داده بود که هرگونه مراسم عزاداری باید با اجازه باشد. اما مراجعه که می کردی اجازه ای در کار نبود. هرگونه اجتماع ممنوع بود. توفان انقلاب تخم وحشت در دل بیدادگران کاشته بود .

پدر حرفی نزد .

محمود تودرگامی در اتاق نشست . اتاق تاریک بود و در هم بود . باشکاف . برسقف و آثار نم که در گوشه سقف باقی بود . محمود نگاه کرد به پدرش . پدر آن پدر همیشه نبود . پدری که می خرید ، می خروشید . احم می کرد . شادی می کرد . متلک می گفت . صبح زود به دکان می رفت . ظهر نان بدست به خانه می آمد . توتظاهرات شرکت می کرد .

وقتی خیر می آمد که اعتصاب است اولین نفر بود که دکان را می بست . همه را خبر می کرد که دکانها را ببندند . ولی حالا نه . پدر حالا دیگر شکسته بود . غم در نگاهش موج می زد . یک هفته بود که شکسته بود . موهای سفیدش بیش از موهای سیاه تو چشم می زد . صورتش با آن ریشهای انبوه از او بیرون می ساخت

ساخته بود خشن . محمود نگاه می کرد و در هم می رفت . دردی عمیق وجودش را می فشرد . نگاهش را برگرداند . به آسمان نگاه کرد . آسمان ابری و سیاه ، در هم و بغض کرده بود . و ابر ها انگار بر بام خانه چادری کشیده بودند . هوا گرفته بود .

ناشتائی نمی خوری ، محمود ؟

مادرش از توجهات پرسید .

محمود گفت : نه ! و به مادر خیره شد . مادر ، همان مادر نبود . چینی عمیق میان ابروایش نشسته بود . نه . این همان فاطمه خان نبود . فاطمه خانمی که هر روز چادرش را به کمر می بست و به جان رخت های افشاد . حیاط را در چند دقیقه آب و جار می کرد . بگو بخندش قطع نمی شد . پدر که ناراحت بود و احم می کرد و دید می گفت ، او اولین نفر بود که شوخی را راه می انداخت . می گفت ، می گفت تا پدر لب بد خنده بازی کرد . همه می خندیدند . پدر متلک را که شروع می کرد ، مادر راحت می شد . نفسی به راحتی می کشید . بسراغ کارهایش می رفت . سنگ صبور همسایه ها بود . صفرا خانم که می آمد و از شوهرش می نالید ، باز مادر بود که در ایش می داد که چیزی نیست اهمیت ندارد ، در زندگی پیش می آید . شوهر منم همینطور بود . خوب ، صبر کردم ، تحمل کردم ، حالا بهتر شده است . زهرامی آمد ، دختر همسایه ، تازه شوهرش طلاقت داد هاست . در دهان سنگ صبور بازی شد : خواهر تو زندگی از این پستی بلند یها بسیار است . نباید ناراحت باشی . تناول جوانی ات است . می گفت . ولی حالا ؟

هیچ گلام هیچ همسایه ای نتوانسته بود او را به خود برسد . گداند . حرفهای شنبید . سرتگان می داد . گاه تشکرمی کرد و دیگر هیچ . فاطمه خانم در این یک هفته بهار کرده بود . گاه زیر لب نالیده بود . آهسته ، اشکی ریخته بود . اما نه فریاد نه اعتراضی . نه . . . فاطمه خانم بغض مجسم بود . شاید اگر گریه می کرد ، خیلی گریه می کرد ، خالی می شد . اما فاطمه خانم تنها اشکی آنهم به آرامی و چند قطره ، در گوشه ای و در دل شب ریخته بود . فاطمه خانم گریه نکرده بود . فاطمه خانم با د کرده بود . بغض کرده بود . محمود نگاه می کرد و حس می کرد و فکرمی کرد " چرا مادر گریه نمی کند ؟ " و حرفی نمی زد . محمود در درون گریه می کرد .

محمود فرسهاراتو ایوان پهن کرد . آب کنار اتاق گذاشت . سماور را گیرانید . استکانها را چید . وقتی دید که زندهای همسایه از رخانه وارد می شوند از مادر پرسید :

دیکه کاری نیس ؟

و مادر که سر بالا برد ، محمود سربش را زیر انداخت و رو به آن سوی حیاط حرکت کرد . در آن گوشه حیاط ، اتاق کوچکی قرار داشت که اتاق حسین بود . محمود وارد اتاق شد و روپرو بر سینه دیوار ، عکس حسین ، آویزان بود . لبخندی بر لب . موهای صاف و شانه کشیده و کوتاه . سبیل کوتاه پر پشت لبان باریک . محمود نگاه کرد . نگاه کرد . قدم جلو تر گذاشت . زانوهارا خم کرد یا خم شد . دوزانو زد ، نشست . اشک در گوشه ، چشمانش جوانه زد . لبها را جوید . آب در هانش را قورت داد . دست بر پیشانی اش کشید . سرتکان داد . اشک شکست . بیرون آمد . برگونه ها ریخت . محمود سر خم کرد . نفس عمیقی کشید . دوباره به عکس خیره شد . انگار چشمهای حسین در رقاب عکس می خندید . انگار می خواست با محمود حرف بزند . محمود خودش راجع کرد . گوشه اتاق خزید . زانوهارا بغل کرد ، و فکر کرد : خیلی زود او را از دست داد هاست . زود تر از آنچه فکرش را می کرد . حسین جوان بود . آرزو ها داشت . و حالا نیست ! با آستین پیراهنش چشمها را پاک کرد . به اتاق نگاه کرد . کتابها در تاقچه کنار اتاق بهم ریخته و در هم بودند . نگاه کرد و فکر کرد به همه کارهایی که برادرش برای او کرده بود . چه زحمتی می کشید ! اولین بار او چشمش را به کتاب باز کرد یادش بود که هر روز می آمد سراغ حسین و کتاب می گرفت . بچه های محل هم می آمدند و بادستان پرمی رفتند . شاگرد هایش از چند محله آسوتربه سوی خانه اشان سرازیری می شدند . کوچک و بزرگ . اتاق حسین يك کتابخانه عمومی بود . شاگردان حسین رابه یاد آورد که این روزها ناله و گریه اشان تا آسمان می رفت . می خواستند خون گریه کنند ! خون ! حسین معلم بود . و روزها مدرسه که تعطیل می شد یا می کردند ، صبح بود یا عصر ، بچه ها بدنبالش روانه می شدند شعاری را که از تومند رسه شروع کرده بودند بلند می خوانند و می آمدند : " . . . ای مرگ بر این شاه " فکر کرد چقدر همه سفارشش می کردند که جوانی نکند . اما او لبخند می زد . با چشمهایش می خندید . بالبهایش می خندید . با وجودش می خندید . یاد خنده هایش بخیر (حسین شیری بود . شیر کوئی) هرگز ترسی در وجودش راه نداشت . شیویر انقلاب روحش

راه و جد آورده بود . روز وشب می جوشید . هنکا میکهد رکوجه راه می افتاد . بچه ها ، بزرگها ، دختر و پسر ، پیرو جوان به دنبالش راه می افتادند . دم در مسجد جمع می شدند . شعار می دادند تا جمعیت آنجا را پرمی کرد . راه می افتادند . سر خیابان که می رسیدند می ایستادند . پسر ها و مرد ها اینطرف : " ما همه سر براتو ایام خمینی " دختر ها و زنهای آنطرف : " گوش به فرمان تو ایام خمینی " . تا همه مشغول شعار دادن بودند ، حسین از میان جمعیت می گذشت ، يك کوچه پایبتر خرابه اول کوچه . از دیوار بالا می رفت . لاستیک ماشین را که پشت دیوار قایم کرده بودند ، می آورد . فکر کرد چقدر رجوش می زد که دست از این کارها بردار . نه ، اینکه نروتظاهرات . نه ، برو ولی این کارها ، کار تو نیست . ولی کو گوش شنوا . انگار مرا قبول نداشتی . گوشه میزدی . انتقاد داشتی که تو از مردم کسار کشید های . بیشتر تو عالم کتاب هستی تا بین مردم . و من ساکت می شدم . از مغز زده ارها نفت می گرفت . می ریخت روی لاستیک که وسط خیابان قرار داده بود . کبریت می کشید . بچه ها تودق می کردند . بزرگترها شعارها را تند تر ، تند تر می کردند . " مرگ بر این حکومت پهلوی . . . " حسین نگاه می کرد . با مردم فریاد می کرد . با مردم می خندید . گریه می کرد . در مردم حل می شد . و چشمهایش می درخشید . یادش آمد که شبها که بحث هایی داشتند ، انگار شب پیش بود ، حسین چه امیدوار حرف می زد . از این روزهای گفت که چقدر وانتظارش را کشیده است . از تلاش مردم می گفت . از جوانیهای گفت . از زجرشان و از امروز که ایران شکفته بود . سفارش می کرد که باید جاسو رفت . نباید ایستاد . نباید نشست . چه کلامی داشت . حرف که می زد انگار معجزه می کرد . خیابان که پرمی شد ، کوچه های اطراف که پرمی شد ، با مهاکه پرمی شدند ، همه جا که از جمعیت موج می زد ، صداها اوچ می گرفت . بالا می رفت . بالا تر . آسمان را می لرزاند . صداها فرود می آمد . پایبند و پایبتر زمین را می لرزاند . آزد و رسور و که کماند و هاپیدا می شد . انگار گرازه های وحشی . اول شلیکها هوا می شد . جمعیت تکانی می خورد . عقب می رفت . اما فرار نمی کرد . فریادها ادامه داشت . گرازه ها جلوتر می آمدند . به خاطر آورد که آن روز چقدر

فریاد کشید : حسین مواظب باش ! اما او دوباره رفت که لاستیک بیاورد . آورد . وسط خیابان که رسید . ایستاد . لاستیک را کنار لاستیک قبلی - که حالا نیم سوخته بود - قرار داده بود که باران گلوله بارید . و ناگهان حسین فریاد کشید . و بال کشود . کوهی می خواست پرواز کند . لاستیک رها شد . آتش زبانه کشید . جمعیت عقب نشست . فریادها در گلو ماند . سکوت در خیابان خیره زد . وحسین پیرشید . به یاد آورد که آن روز ناگهان محمود خود را در میان جمعیت دید . با مردم . و با مردم فریاد می زد . بلند فریاد می زد . حسین را مردم برد و کشیدند و می خواندند : می کشم . می کشم . آنکه برادرم کشت " در چشمها خشم بود . در سینه ها کینه بود . و جمعیت جلومی رفت . در پاساژ بر سر شده بود . گلوله های آمد و زمین نغرافتاد . آخ (سومین نفر . اما برای دیکه می آمد - خروشد و جلومی رود ، این گلوله ها مثل ، خس و خاشاک است . می رویدش و جلومی رود . . . و حالا محمود در مقابل عکس برادر ، نه در برابر برادر نشسته بود . به خود نهیب می زد . که : تا حالا کوتاه آمد های جوان ! خواندن کافی نیست ! بیوهو نشستهای . باید با مردم بود . با مردم رفت . بلند شو ! بیوهو نشستهای . حق با حسین بود .

اولین آقا آمد و روضه خواند و رفت . و صدای خدا حافظی اش را پدیدر نیز که در زیر زمین دراز کشیده بود شنید . . . شهید جاش توبه بسته . . . ناراحت نباشید . خدا حافظ شما .

فاطمه خانم رفت کنار سماور . شروع به ریختن چای کرد . پچپچه " زنها شروع شده بود . چادرها کنار می رفت . صورت ها بازمی شد . عرقها را از پیشانی پاک می کردند . هرکس با بخل دستی ، دستائی و چند تائی ، شروع به حرف زدن کرده بود . اتاق و ایوان پر بود . هوا دم کرده بود . آسمان ابری و خفه . فاطمه خانم چای می ریخت و فکرمی کرد . به مردش که در زیر زمین در تاریکی و در گرماست . حرفی نمی زد . جای را توسینسی می چید و دست به دست رد می کرد .

مرد همینطور که توزیر زمین افتاده بود ، نگاه می کرد و فکر می کرد . به دکانش که چند روز است بسته . اعتصاب است . از روزی که اعلامیه " امام آمده ، بسته است . شاید ده روز می شد . شاید بیشتر . فکر کرد چند روز دیگر باید بسته باشد ؟ دنباله فکرش را رها کرد . با خود گفت : " این روضه خوان دومی که بیاد . کارتمومه و از زیر زمین میروم بیرون . " فکر کرد . " آخر این شد شب هفت ! ؟ " و فحش داد . و فکر کرد " در کجای دنیا مراسم عزاداری ممنوع است ؟ " و فحش داد . آنکه دستش را بر زمین تکیه داد . نیم خیز شد و نشست . آخ . . . دیکه پیر شدی مرد . حسابی پیرشیدی . مرگ این جوان کمرت را شکسته ! " با خود گفت . فکر کرد اصلا دیکرمی تواند بهد کانش برود ؟ اگر برود باید محمود را چند روزی کمکی ببرد . اصلا محمود تازه از سربازی آمده و بیگار است . دیکه بیگار . اغلا کمک با با ایش هست . راستی کمک می کند ؟ بله . می کند . محمود هیچگاه روی پدرش را زمین نمی زد .

صدای زنگ در مردم رابه خود آورد . زنها چادرها را به سر کشیدند . خودشان راجع و جور کردند . سینی چای با استکانهای خالی پیش مادر برگشت . آنرا کنار سماور گذاشت . روضه خوان دومی - شیخ علی - وارد شد . " یا الله " از پله ها که بالا می آمد جواب سلامها را هم می داد . پیکراست بسمت اتاق رفت . روی صندلی نشست و شروع کرد .

فاطمه خانم نگاه می کرد به دهان شیخ علی . اما نمی شنید . شیخ علی داشت از گذشته های دور و نزدیک می گفت . از همه چیز می گفت . از رضا خان و زدن تا آریا مهرخان . از دیروز می گفت و از امروز . از مبارزه می گفت . و از شهادت . از روحانیت گفت و از امام گفت و از رهبری گفت . و زد به صحرا می کرید . اما انگار گوشهای فاطمه خانم را پر کرده اند . هیچ نمی شنید . هوش و کوشش را زمانه برد ه بود . نگاه می کرد . نگاه می کرد . اما چیزی . . . ! ؟ آری . ! انگار ناگهان چیزی شنید . فاطمه خانم تکان خورد . آسمان برق زد . گوش داد . دوباره شنید . شیخ از " حسین گفت ، زن گوش سپرد . زیر لب گفت : حسین . . . نفس زد . تند نفس زد . آسمان ، دوباره برق زد . شیخ دوباره گفت . آری ! دوباره از حسین گفت . فاطمه خانم بلندتر گفت : حسین . . . زنها سر برگردانند و فاطمه خانم فریاد کشید . انگار ترکیب : حسین . . . یا حسین . آسمان منفجر شد . فاطمه خانم گفت : حسین جون . . . حسین . وزد به سینه . محکم زد به سینه و گریه را سرد داد . جیغ را سرد داد . فریاد مانده در گلو رها شد همه گفتند : یا حسین . . . آسمان بارید . بارید . زنها از لب ایوان خودشان را کنار کشیدند ، روبه در اتاق . فاطمه خانم فریاد می کشید . شیخ علی می ماند . گاه انگار با خودش می گفت اما می گفت . از حسین می گفت . تا کون در هیچ روضه ای این بقعه رصفحه ۸

مسابقه تسلیحاتی و نتایج آن برای ایالات متحده (۲)

مسأله نفت

آماج اصلی تجاویز که محافل امپریالیست آمریکا آن را تدارک می بینند، سرزمین های نفت خیز خاورمیانه است. مطمئن ترین متحد امپریالیسم آمریکا در راه نیل به این هدف ها اسرائیل است که در این اواخر به کارزار ترسور و غارت خود بر ضد خلقهای عرب لبنان و فلسطین شدت داده است. امپریالیسم آمریکا که از هر عمل تروریستی و واندالیستی (ضد علم و صنعت) اسرائیل بوی قین و شرط حمایت می کند، نه تنها خود را در برابر افکار عمومی جهان بلکه در میان هم پیمانانش در ناتو نیز منزوی کرده است.

این سیاست آمریکا از تمایل وی به تصاحب منابع نفت سرچشمه می گیرد. با وجود این، این سیاست هیچ نتیجه ای جز تشدید بحران انرژی در ایالات متحده و بطور کلی در جهان سرمایه داری نداشته است. سیکل افزایش بهای نفت توسط اوپک و اوج این افزایش ها نشان می دهد که در ترقی بهای نفت تنها ملاحظاتی اقتصاد در خالت ندارند. بخش مهمی از این افزایش ها مربوط به تصمیم کشورهای صادر کننده نفت مخصوصا کشورهای خاور نزدیک در کاربرد نفت به عنوان یک سلاح در مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم است.

تحویل منظم نفت و تضمین جریان عادی آن و همچنین ایجاد ثبات در قیمت های این محصول در بازار جهانی بدون عادی شدن اوضاع کلی منطقه از راه مذاکرات با شرکت طرف های ذینفع در منطقه خاور نزدیک ناممکن است برای این کار در جای نخست باید واحدهای نظامی اسرائیل از سرزمین های اشغالی بیرون بروند و حق مسلم و قانونی خلق فلسطین در تشکیل دولت خاص فلسطین به رسمیت شناخته شود. بدیهی است که عدم تعادل کنونی که تحت تأثیر مسأله نفت در جهان پدیدار شده، در جای نخست جهان سرمایه داری را بحران مالی حاد می چسباند بحران دهه ۳۰ روبرو می سازد که دامنه آن به مراتب وسیع تر خواهد بود.

بر اساس ارزیابی هایی که در اختیارمان قرار دارد، سود خالصی که کشورهای صادر کننده نفت از راه فروش این محصول بدست آورد هاند کسری خالص ناشی از خرید آن برای کشورهای وارد کننده نفت در سال جاری (۱۹۸۰) به رقم بسیار عظیم ۱۲۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است که دو برابر رقم سال گذشته و برابر با مجموع دوره ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ می باشد.

این کسری بیشتر بر بدوش کشورهای در راه رشد آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین وارد کننده نفت سنگینی می کند. تا کنون موازنه پرداخت های کشورهای در راه رشد و کشورهای پیشرفته صنعتی به وسیله گردش دلارهای نفتی متعادل شده است. عربستان سعودی و سایر کشورهای صادر کننده نفت درآمدهای اضافی شان را به بانک های بزرگ کشورهای سرمایه داری می سپارند. کشورهای امپریالیست بخش از این وجوه را برای جبران کسری موازنه پرداخت های خود بکار می برند و قسمت باقیمانده را به همین منظور به صورت اعتبارات اختیار کشورهای در راه رشد قرار می دهند که کسری موازنه پرداخت هایشان را جبران کنند.

با این همه، از هم اکنون ملاحظه می شود که این عمل محدودیت های خاص خود را دارد. ترکیه و زئیر برای کشور های عمده سرمایه داری مانند سید های سوراخ هستند که جنوبی و برزیل نیز به منابع غیر قابل پرداخت احتیاج دارند. بسیاری از کشورهای کوچک دیگر با وضع مشابهی روبرو هستند. ناتوانی یک یا چند کشور از این قبیل در بازپرداخت وجوه دریافتی می تواند موجب فروخشکیدن ذخایر عده زیادی از بانکهای بزرگ سرمایه داری شود.

نورمان گال سرد بیرحمتانه فاربرد شماره ۲۳ ژوئن ۱۹۸۰ آن طی مقاله "مسطوبی نوشت: راه دیگری جز کار برد مجازات های شدید در حق کشورهای در راه رشد، کند نمودن آهنگ های رشد اقتصادی، ضررهای بانکی و فروخشکیدن نقدینه های بین المللی وجود ندارد. به عقیده او و کرنه نتایج "هنوز بدتر خواهند بود... مادر شرایط سخت بحران مالی بین المللی قرار داریم... این بحران با دوام خواهد بود، و پیش بینی نتایج آن ناممکن است."

انحطاط اخلاقی در ایالات متحده

نظامیگری، نژاد پرستی، و صهیونیسم ریناها امپریالیسم

آزادانه رشد می یابند. دستاوردهای ناچیزی که سیاه پوستان در دهه ۶۰ با از خود گذشتگی و مبارزات طولانی بدست آورد ه بودند، گسترش نیافته است. اختلاف بین درآمد های سیاه پوستان و سفید پوستان سال به سال افزایش می یابد.

در دهه ۱۹۸۰، بیکاری میان سیاه پوستان ۱۳/۷٪ و در بین سفید پوستان ۶/۲٪ بود. نرخ بیکاری میان جوانان سیاه پوست به ۳۰/۲٪ رسید. جداسازی ها در قلمرو آموزش و مسکن عملاً کنترل نمی شود. سازمان های دولتی که طبق قانون مأموریت دارند این بلیه اجتماعی را از میان بردارند و با همه وسایل در راه برقراری مساوات در مسائلی چون شغل، آموزش، مسکن و غیره کوشش نمایند، عملاً غیرفعال هستند. ترور سیاهان بوسیله پلیس به وضوح شدت یافته است. هفته های نیست که سیاهان در شهرهای مختلف به دست پلیس به قتل برسند. شورش توده های جدید سیاهان پس از ششونته های سرکوبگرانه در میامی نشان داد که آزار و شکنجه سیاهان توسط طبقات حاکم آمریکا وارد مرحله تازه ای شده است.

کوکلوس کلان ها، نازی های آمریکائی و دیگر سازمان های نژاد پرست و ضد یهود فعالیت خود را بطور حسوس افزایش داده اند. آنها هر روز با تفرعن بیشتر در کام جامعه زهرشوی و بیسیسمی چکانند و به تحریکات ابلهانه خود می افزایند. حزب نازی آمریکا که بطور مخفی به مکالمات تلفنی کوشش می کند هدیه جایزه ۵۰۰ دلار برای سازمان دادن "جنگ صلیبی سفید پوستان را بر ضد سیاه پوستان و یهودیان وعده داده است.

مجله "ارگانیزر ارگان اتحادیه ملی ضد سرکوب نژادی و سیاسی، در سامبر گذشته نوشت: "کوکلوس کلان در بوستون، نیویورک، داکتر، تئولو، نئو اورلئان، شیکاگو، دیترویت، لوس آنجلس و شهرهای بزرگ شمال و جنوب و خلاصه همه جای آمریکا فعالیت می کند. "برنامه" کشتار جمعی وی که متوجه سیاهان و یهودیان می باشد، بی شرمانه در نسخه های وسیعی انتشار یافته و از نظر عموم گذشته است. این نکته اهمیت دارد که به یاد بیاوریم، هدفهای کلاسیک سازمان ضد بشری برای خود معین کرده بسیار وسیع است و شامل حملات کینه توزانه و گاه مرگبار بر ضد اتحادیه های صنفی، رهبران اتحادیه ها، کمونیست ها، کاتولیک ها و همه کارگران خارجی الاصل می باشد. باید افزود که از آن هنگام وضع باز وخیم تر شده است.

سرمایه انحصاری ایالات متحده ضمن تدارک جنگ تعرض بر ضد طبقه کارگر رانندگی می کند. توقیف های جمعی، محدودیت های قانونی، اعتصابگران، اخراج کارگران عضو سندیکاد رساله های اخیر چنان دامنه ای یافته است که از زمان جنگ به این سوسابقه ندارد.

"موسسات بزرگ" همه کوشش خود را در جهت از میان بردن امتیازاتی که زحمتکشان طی دهه ها سال مبارزه برای بهبود شرایط کار و اعتدالی سطح زندگی به دست آورده اند، متمرکز کرده اند.

کنگره آمریکا امروز مشغول بررسی یک طرح قانونی (به شماره ۱۷۲۲) است که باید برای خفه کردن جنبش طبقه کارگر محدود نمودن حقوق مدنی و مخصوصاً سرکوب مبارزه برای صلح پایه حقوق بوجود آورد. فصل شماره ۱۱۱۰ آن ("تدابیری برای فرار از خدمت نظامی سربازگیری") به تعقیب این نوع مجرمین و دیگر متعرضین جنگ غیر عادلانه اختصاص دارد. مجرم به ۵ سال زندان و بین ۲۵ هزار تا ۲۵۰ هزار دلار جریمه محکوم خواهد شد.

کارترو دولت وی با سکوت در برابر بی رحمی های نژاد پرستان و مخالفت بانیروهای دموکراتیک مسئول گسترش جدید فعالیت نفوذاشیسم و نژاد پرستی در کشورند.

علاوه بر این، دولت رسانه های آمریکا آگاهانه و مجدانه نفرت از عربها، ایرانی ها، روسها، و ویتنامی ها را دامن می زند.

سیاست نژاد پرستانه امپریالیسم آمریکا بیش از همه در جنگ اقتصاد بر ضد خلق هند و چین نمایان است. ماهرگز نباید جنگ ضد بشری امپریالیسم آمریکا را بر ضد خلقهای این کشورها فراموش کرده یا ببخشیم. امپریالیسم آمریکا قول خود را مینوی بردادن میلیون ها دلار برای بازسازی قسمت خرابیهای عظیمی که به سرزمین و دارائی های خلق ویتنام وارد آورد زیر پا گذاشت. امروز امپریالیسم آمریکا با روبرو شدن

از کمک مستقیم به دولت کامبوج با تمام قوا می کوشد به افزایش محرومیت ها و ایجاد قحطی در این کشور کمک نماید. آمریکا غذا و امکانات دیگر را اختیار ریل پوت و راهزنان وابسته او می گذارد و به ویتنامی ها و روسها در کمک به کامبوجیا حمله می کند.

صهیونیسم ضد عرب و ضد مسلمان که توسط محافل متنفذ صهیونیستی دامن زده می شود، به صورت بازی در آمده است. نمونه ای از آن تلاش برای اخراج تمامی دانشجویان ایران از ایالات متحده است.

نژاد پرستی و کمونیسم ستیزی ایالات متحده مخصوصاً در رفتار مقامات وی نسبت به سفید پوستان مرتد کوبائی که به کمک او از کوبا فرار کرده اند و سیاه پوستان هائیتی که از ترس رژیم خونین دوولیه با شنا خود را به ساحل آمریکا رسانیده اند کاملاً آشکار است.

جنگ نظامی و صهیونیستی که زندگی توده های وسیع را با انحطاط عمومی روبرو ساخته اند و نیز خطر فزاینده نابودی هسته های عوامل مهمی هستند که بدین گونی مردم آمریکا را دامن می زنند.

راد یو تلویزیون که دو عامل مهم انتشار فرهنگ اند توجه را به خشونت، قتل و انواع نیروهای شیطنی مخفی جلب می کنند. فیلم های خوشبینانه نادری که به نمایش گذاشته می شوند، عموماً روح ترقیخواهانه را پشت چهره رزم وحشت ناب پنهان می کنند. همواره کتابها و فیلمهای بیشتری برای شکل دادن به احساسات مخرب به نغم تجاوزگری های امپریالیستی چاپ و منتشر می شود.

افزایش مخالفت با سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا

به جز چند استثنا موقعیت اقتصاد کشورهای اروپای غربی و ژاپن به اندازه آمریکا وخیم نیست. متحدین امپریالیسم آمریکا در پی بین المللی شدن همواره رسیم تر سرمایه و انباشت در جهان، میلیون ها دلار اروپائی "تأثیرات رکود اقتصاد ایالات متحده بر بازار کانی و مسائل مالی جهان و خطرات ناشی از گردش دلارهای نفتی در معرض بی نظمی اقتصادی و مالی قرار دارند. و ایالات متحده می تواند شکست مالی و اقتصادی سرمایه داری جهانی را فراهم آورد.

در نتیجه استقرار واحدهای نظامی و سلاحهای هسته ای آمریکا در کشورهای اروپا و افزایش همواره سریع تر بودجه های نظامی شان و فشار آمریکا موقعیت اقتصاد ایالات متحده مانند آمریکا ضعیف خواهد شد و به ناچار تعرض شدیدی را به سطح زندگی زحمتکشان در پی خواهد داشت و همزمان منازعات طبقاتی و بحران های اخلاقی و سیاسی فزونی خواهد یافت.

اروپائی ها و ژاپنی ها که بیش از آمریکائی ها با فاجایع و محرومیت های جنگ دوم جهانی آشنا شدند، خطرات موقعیت پیچیده کنونی را که ناشی از سیاست خارجی تجاوزکارانه ایالات متحده است بخوبی حس می کنند. آنها بیش از همه از جنگ می ترسند و از این رو جنبش به خاطر صلح و بر ضد سیاست امرونی آمریکا در این کشورها روز به روز تحکیم بیشتری می یابد.

ایالات متحده با تشدید تعرض خود بر ضد تشنج زدائی و روابط بازرگانی و فرهنگی با اتحاد شوروی و افزایش بی سابقه بحران در خاور نزدیک به متحدان خود فشار وارد می آورد. اینان تا حدی در نباله رو سیاست واشنگتن هستند، اما ما باید تشنج زدائی ادامه یابد و روابط فرهنگی و بازرگانی شرق و غرب تقویت شود و راه حلی برای توافق همه جانبه عادلانه در خاورمیانه پیدا شود. کاملاً طبیعی است که این نوع گرایش ها در اروپای غربی و ایالات متحده برای سیاست ماجرا جویانه امپریالیسم آمریکا مانع جدی به شمار می رود.

در خود ایالات متحده مخالفت با سیاست دولت در زمینه نظامی کردن کشور و تدارکات جنگ شدت می یابد. در میان طبقه کارگر کرایش نیرومندی به نغم تشدید مبارزه برای حفظ شغل و بر ضد تعطیل موسسات، تنزل سطح زندگی زحمتکشان و حملات بر ضد سندیکا ها دیده می شود. در جنبش سندیکائی شعارهای ترقی تری مطرح می شود. مردم هر چه بیشتر رومی یابند که در شرایط صلح تأمین شغل به مراتب زیاد تر از شرایط جنگ امکان پذیر است. و از این رو کاهش بودجه نظامی برای بر آوردن نیازهای حیاتی بقیه در صحنه

قتل عام در کامبوج (۴)

در کارزار انتقادی بر ضد لین پیاو و کفوسیس مبارزه بی امان پرولتاریا بر ضد بورژوازی در رومیناست (زمن ریمباو ۲ فوریه ۱۹۷۴)

گوری که يك ملت را بلعید

يك سال پس از مبارزه ای که زیر پوشش کارزار انتقاد از لین پیاو و کفوسیس در رهبری چین جریان داشت و در زندگی عمومی چین ابعاد کونا کونی به خود گرفت، کامبوج به دست خمر سرخ و مشاوران چینی - اش افتاد. در جریان کارزار لین پیاو جوانان چین مائو که هواپیمایش سرنگون شده بود - به نمونه دشمن طبقاتی، نماینده سرمایه داران مالکان زمین، کولاک ها، راستگرایان، مر - تحمین و اوباشان تبدیل شد. به گفته مائوئیست ها او به راه بورژوازی کام نهاد و خواست است سرمایه داری را در چین احیا کند. کفوسیس - به لفظ چینی ها کونگ فوتسو - فیلسوف محافظه کار و بنیان گذار دین که ۲۵۰۰ سال پیش می زیست و به عقیده سازمان دهندگان کارزار تنزهایش سم کشنده - اند. پدر روحانی او اعلام شد.

در جریان این کارزار دست مانند دوران انقلاب کمپروفرهنگ پرولتری معابد بی شماری که زیارتگاه پیروان کفوسیس بود به تارت رفت و میلیون ها نسخه کتاب گران بها نابود شد. مائوئیست اد کسانی که جان شان را به اتهام هواداری از کفوسیس و خط مشی سیاسی لین پیاو از دست دادند اطلاعی در دست نداریم. همه این ها به مائوئیست های کامبوج فرصت مناسب داد که خشم شان را در کارزار خود بر ضد اندیشه های که به زعم شان ارتجاعی شده اند و حامین اندیشه های مذاهب نیاکان اند متوجه سازند. آنها به قسمتی از اعمال و جنایاتشان ظاهر مخالفت با اندیشه های مذهبی می دادند.

۱ ستنهایی که خاکستر شدند

خمرهای سرخ هنگام دست یافتن به قدرت در جامع، رادیو و مطبوعات و در تماس - های مستقیم با مردم عقیده خود را درباره دین، از جمله دین بودا: دین اکثریت سکنه دین اسلام: دین ملت شام، مذهب کاتولیک: مذهب بخش مهم اقلیت ویتنامی و پیروان لوترا اعلام کردند: دین بودا و تمام ادیان دیگر ارتجاعی هستند و به نفع دشمنان عمل می کنند و باید منوع شوند. رهبانان و کشیشان صرف نظر از این که مبلغ چه عقایدی هستند، خونخوارند و خون خلق را می مکند. آنها یا باید کارکنند یا از زمین بروند. ثروت کلیساها و معابد مصادره خواهد شد و آنچه دارای ارزش است به خلق واگذار می شود و بقیه چیزها دور ریخته خواهد شد. بدین سان خمرها سرخ به تمام ملت کامبوج - به استثنای قشر کوچکی - اعلان جنگ دادند.

در کامبوج دین هینایان که نوع قدیمی - تر دین بوداست و بر پایه اصول سخت - تری استوار است، رواج دارد. صومعه های بودایی اغلب در حومه، دور از مراکز تجمع ساخته شده اند. مثل لپذیری برای این منظور انتخاب شده است. در کنار صومعه باغ سبزیجات و گل ایجاد شده. در محوطه آن چاه هایی حفر شده که آب چشمه یا رود - خانه، نزدیکی در آن جاری است. در میان باغ گل آرامگاه رهبانان برپاست: زیرا که در قبرستان به تأمل و تفکر در افکار

بودا اکل می کند. رهبانان معابد غیر از مطالعه آثار بودایی زبان های خارجی، علوم طبیعی، فلسفه، تاریخ ادبیات جهانی و جغرافیا می - آموزند. رهبانان با استعداد در صومعه - های مجبوتر که استادان فرزانهتری دارند، پذیرفته می شوند. علاوه بر آموزش تزه های مذهبی، یکی از وظایف مهم آنان تشریح رویداد های سیاسی، قوانین و تعالیم بهداشتی است. در زندگی رهبانان محدودیت های بی - شماری وجود دارد. آنها روزه های صوری در ساعات صبح از خواب برمی خیزند و به تعین کردن معبد می پردازند و سپس با هم صبحانه می خورند. غذاها بسیار ساده است. آنها سر طرف مشترک برنج و روغن می خورند. نوشیدنی آنها آب گرم و یا چای تلخ است.

آنها از بیخ موجود زنده و خوردن گوشت پرهیز دارند. استعمال تریاک و نوشابه - های الکلی برای آنان منوع است. در روز - های تعطیل یک بار در روزهای کار و بار غذا می خورند.



برقراری جامعه بی طبقه بسبک بل بونی های مائوئیست!

تنها وسائل خصوصی که حق دارند داشته باشند رادیو، زردشان، زیر پوش ضدل کاسه غذا، چوب های غذا خوری و ریش تراش است. رهبانان صاحب مقام برای مدت سه سال انتخاب می شوند. ازدواج برایشان منوع است و معتقدند که تنوع جنسی روحانی را از هدفش بازمی دارد. اما از آنجا که رهبانان به عنوان انسان اشتباه کارند، از این روهفته - ای دوباره رهم جمع می شوند و هر یک به گناهایی که مرتکب شده اند اعتراف می کنند و دیگران مجازات آنان را تعیین می کنند. کسی که عاشق شود می تواند از صومعه خارج شود ولی راه برای او باز است.

هنگام ورود خمرهای سرخ حدود ۳۰۰۰ صومعه هینایان در کامبوج دایر بود. اکثر آنها به کمک مردم ساخته یا توسعه داده شده بودند. صومعه های ۲۰۰ تا ۳۰۰ ساله کم نبودند. جایی که روحانی خوش زوقی در آن زندگی کرده بود، صومعه یک شاهکار واقعی از نقاشی های دیواری و مجسمه های پر ارزش بود. انواع بسیار نادر آلات موسیقی قدیمی از باد و سیمی در صومعه ها نگهداری می شوند. صومعه در ضمن مدرسه ابتدایی و در همه جای مرکز فرهنگی بود. در کتابخانه آن غیر از ادبیات بودایی کتب ادبی و نظم و نثر خمر، رمان، روزنامه و مجلات به زبان خمر فراوان بود. صومعه در ضمن قبرستان بود و مومنین خاکستر استگان متوفای خود را به آن می سپردند

بقیه از صفحه ۳

جنبش جوانان...

این سؤال هستند که چرا اعتراضات دانشجویان - یان دموکراتیک در پایان دهه ۶۰ بی - نتیجه بود و ماند و چه راههایی برای رسیدن به جامعه جدید کاملاً بشری مؤثرند. جهان بینی کارگری نخستین کار انقلاب سوسیالیستی را تحقق آزادی واقعی انسان می داند. با این همه، این جشن ستم دیدگان مستلزم بسیج حداکثر همه نیروهای اجتماعی ترقی - خواه و کار وسیع تدارکاتی است. لنین تأکید می نمود که پیروزی زحمتکشان به اتحاد پر شور انقلابی توده ها در کار سازمانی دشوار هم روزه بستگی دارد. وگرنه پیروزی کوتاه مدت این خطر را در بر دارد که به یک سلسله شکست های حزن آور بیانجامد.

تئوری پردازان "خویشترن داری بزرگ" دیا لکتیک آزادی و ضرورت را نمی پذیرند. دلایل فلسفی آنان در نفی آشفته سرمایه - داری هر قدر ظریفانه باشد، این نفی کاملاً بیپایه خواهد بود. اندیشه تبدیل انقلاب به یک بازی شادمانه چیز کاملاً پوچ و بی - معنایی است. جنبش دهه ۶۰ دانشجویان در غرب سرمایه داری که حوادث متعدد در امراتیک و قربانیان زیادی در پی داشته، نشان داد که نتایج دست کم گرفتن انقلاب تا چه اندازه مخرب و زیانمند است.

شور انقلابی حاصل از تئوری اقتصاد و اجتماعی - سیاسی مارکس از آنجاست که بر واقع گرایی تکیه دارد و در جهت ادامه بسط سنت های انقلابی فرهنگ بشری رومی - پوید و پیروزی واقعی خرد بشری را به نمایش در می آورد. تحلیل مناسبات واقعی اجتماعی، نه نفی انتزاعی آن، به مارکس امکان داد که از دنیای بورژوازی انتقاد عمیق به عمل آورد و قوانین مادی زوال آن را بیرون کشد.

پرولتاریا بانفی انقلابی شیوه تولید بورژوازی توانسته است بر مجهولات و صورت - گریه های همه روابط بشری فائق آید و راز آنها را از پرده بیرون ریزد. این تئوری جهان بینی علمی هرگز طبقه کارگر را در چار پندار بافی نمی سازد. بنیان گذاران جهان بینی کارگری کاملاً واقف بودند که در اوضاع و احوال معین برخی گردان های پرولتاریا

پیش از آنکه خمرهای سرخ قدرت را به دست گیرند، بیش از ۱۰۰ هزار رهبان در کامبوج وجود داشت. هیچکس جز خمر سرخ نسبت به مفید بودن کارشان شک نداشت. با وجود این، روسای مائوئیست خمر بانوک قلم خود دستور دادند که رهبانان صومعه ها را ترک گویند و به اردوگاه های کار اجباری و کمون ها روانه شوند. بعضی از رهبانان دستور را اجرا نکردند. این دسته در صومعه ها به قتل رسیدند. صومعه های تخلیه شده به آتش کشیده شدند و گنجینه های آنها شکسته شده یا به سرقت رفتند. اوباشان خمر کتابها را پاره کرده و به آتش می کشیدند. بیانات رئیس جمهور خوسامان پیوسته تکرار می شد: زنده ماندن رهبانان به چه درد می خورد، من با کشتن آنان چیزی را از دست نمی دهم. رهبانان پیر به موهبت این سیاست آقای رئیس جمهور خیلی زود بر اثر راهپیمایی های طولانی، کار طاقت فرسا، خستگی، گرسنگی و بیماری از یاد می آمدند. محافظین کمون ها روی کسانی که سابقاً رهبان بودند دقت خاصی داشتند. چنانچه این افراد هنگام کار لحظه ای می آسودند و یا مقررات سخت را موبه مورعایت نمی کردند. از ضربات سخت محافظین مصون نبودند. در این صورت جیره آنها قطع می شد و کسی حق نداشت چیزی به آنها بدهد. به این علت بود که ۲۰۰

در معرض این خطرند که زیر نفوذ آگاهی خمر - بورژوازی قرار گیرند. پرولتاریا یگانه طبقه در تاریخ است که آزادی واقعی وی مشروط به نفی دنیای مبتنی بر مالکیت خصوصی و برقراری جامعه بدون طبقه است. راه دیگری برای نجات وی وجود ندارد. او برای حل این وظیفه باید سراسر فرهنگ بشری را جذب کند.

سرمایه داری معاصر که نمی تواند بر تضاد - هایش فائق آید و لذایذ کوشد آن را تا حد ممکن تخفیف دهد، دشمنی اش رانسیست به ماهیت خلاق انسان به وضوح نشان داده است. عصیان توده های وسیع دانشجویان و روشنفکران و جنبش خشونت آمیز آنان بر ضد این نظام از خصالت انحطاط انگیز سرمایه - داری منشا می گیرد. این روند برای حل یکی از جدی ترین وظایف جنبش انقلابی امکانات جدیدی پدید آورده است. دست یافتن به آگاهی انقلابی از راه جذب انتقادی تمام فرهنگ بشریت و زمین رفتن فاصله اکثریت زحمتکشان با این فرهنگ از میرم ترین وظیفه انقلابی در جهان سرمایه داری است. سر آغاز حل این وظیفه پند آموزی مفید از ناکامی ها و شکست هایی است که جنبش جوانان در غرب تاکنون تحمل شده است.

بقیه از صفحه ۸

سیاست خارجی مستقل...

محکوم نموده و بازسازی روابط اقتصادی در جهان را بر مبنای برابری حقوق کشورها - ضروری می شمارند.

سیاست خارجی هند به عنوان یک کشور غیر متعهد در عهد ضمیمه مسائل بین المللی مربوط به صلح، استقلال ملی و آزادی خلق - ها با سیاست خارجی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی منطبق و پایه آن نزدیک است. دولت هند هیچگاه ایمن - انطباق و نزدیک یکی را به متاب پیروی از سیاست شوروی و یا نقض استقلال و وابستگی به آن تلقی نمی کند. بلکه بر عکس آنرا ضامن مؤثر پیشبرد سیاست فعال عدم تعهد، استقلال طلبانه و صلح جویانه خود می شمارد.

بقیه از صفحه ۷

رهبان رانده شده از ناپایتخت به ایالت دور دست کین سوی همگی جان سپردند و اوباشان تروریست مائوئی رهبانانی را که از ناتوانی - قادر به راه رفتن نبودند در صومعه شومبو کاک جمع کرده آنها را یکی یکی جلوی مجسمه بودامی فرستادند. رهبانان طبق سنت احترام به جامی آوردند. محافظین آنها را وامی داشتند که قبر خود را بکنند و سپس به آنها می گفتند "حال خواهید دید که آیا او کم خواهد کرد یا نه". تبیه کاران مائوئیست در این حال میله تیزی به مغز این تیره روزان فرو می کردند و به زندگی شان خاتمه می دادند البته همه اجساد در گودال ها جانی گرفتند روی این اصل کشتگان رویهم دفن می شدند بطوریکه امروز تپه کوچکی روی گودال محل کشتار واقع در حیاط مخروبه صومعه شومبو کاک به چشم می خورد که یادگار آن فاجعه تاریخی است.

از معبد مشهور پوتیزاس واقع در پری ونگ ۶ رهبان پیر به زندان پوتی بوری فرستاده شدند. آنها بر اثر تغذیه ناکافی و روش های غیر انسانی خیلی زود جان سپردند. همین سر نوشت در انتظار اکثریت رهبانان بود. به زحمت چند هزارتن از آنان از سلطه چهار ساله تروریسم خمر های سرخ جان سالم بدر بردند.

(ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱

لزوم تغییر بنیادی نظام ...

- ۱- تعلیمات عمومی (تعلیمات ابتدائی) به مدت ۵ سال
- ۲- تعلیمات عمومی (دوره راهنمایی) به مدت ۳ سال
- ۳- آموزش متوسطه عمومی به مدت ۴ سال

در کارنامه دوره راهنمایی تحصیلی دوره های آموزش حرفه ای مقدماتی (سه ساله)، دانشسرای عشایری (دو ساله) و در جنب دوره آموزش متوسطه عمومی (دو ساله) در شهرستان های عمومی (دوره آموزش متوسطه فنی شامل رشته صنعت، خدمات، حرفه های روستائی (۴ ساله)، دوره دانشسرای مقدماتی (۲ ساله) و تربیت معلم روستائی (یک ساله) قرار دارد.

آموزش ابتدائی - رژیم طاغوت علی رغم تصویب قانون تعلیمات اجباری و تشکیل سپاه دانش و کمیته های پیکار با بیسوادی که دستگاه های تبلیغاتی آن زمان وجود آنها را به عنوان اقدامات انقلابی و بسیار مهم در محو بیسوادی در ایران جلوه می دادند خواست در مبارزه با بیسوادی اقدام اساسی به عمل آورد. باید توجه داشت که در زمان طاغوت با وجود فزونی تعداد مدارس و شمار دانش آموزان چون این روند متناسب با رشد سالان جمعیت در ایران نبود، تعداد بیسوادان با مختصر تغییر همچنان قابل ملاحظه بود و حکایت از وجود سپاه عظیم بیسوادان می نمود.

برای آگاهی از درجه توسعه آموزش ابتدائی در کشورلازم است بدانیم که در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ تعداد دبستان های عادی ۴۱۴۸۱ واحد یا ۴۰۳۱۴، دانش آموز و تعداد دبستان های سپاه دانش ۱۴۸۹۳ واحد یا ۷۰۶۲۷۱ دانش آموز بود.

توجه به وضع سواد در جمعیت ۶ ساله و بالا تر در سال ۱۳۵۰ (آخرین سال انتشار آمار) ازستم عظیمی که به فرزندان این آب و خاک رفته برده برمی دارد. با این گنه در رژیم طاغوت از آمار به عنوان ابزاری در توجیه وضع حکومت استفاده می شد و ارقام مربوط به میل مسئولان تغییر می یافت، از همین آمار می توان فهمید که تعداد بیسوادان تا چه اندازه فاحش و تکان دهنده بوده است. به موجب آمار ۱۳۵۰ در سطح کشور تنها ۲۶/۹ درصد زنان و مردان سواد داشتند و بقیه یعنی بیش از ۷۳٪ مردم از نعمت سواد محروم بودند. آمار نشان می دهد که سطح با سوادان روستا در مقایسه با شهرها بسیار نازل است. در مناطق روستائی تنها ۲۰/۴٪ زنان و مردان با سواد هستند. یک مقایسه دیگر اختلاف با سوادان شهری و روستا را به

وجه نمایانی نشان می دهد: در سال ۱۳۵۰ تعداد مردان با سواد شهری ۶۸/۷٪ و روستائی ۳۱/۹٪، تعداد زنان با سواد شهری ۴۸/۱٪ و روستا ۸/۳٪ بود. آمار زنان بیسواد روستا لزوم سواد آموزی فوری آنان را بیش از پیش آشکار می سازد.

آموزش راهنمایی تحصیلی - در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ برای پذیرش قبول شدگان دوره آموزش ابتدائی که داوطلب ورود به دوره راهنمایی بودند تعداد ۵۱۴۲ مدرسه راهنمایی وجود داشت که

۱،۴۴۶،۳۴۰ دانش آموز در این مدارس مشغول تحصیل بودند. در این جا هم اختلافات بین شهر و روستا چشمگیر است. در این مورد کافی است اشاره کنیم که از تعداد کل دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی تنها ۲۲/۵ درصدشان در مناطق روستا

نی مشغول تحصیل بودند.

آموزش متوسطه عمومی (دبیرستان های عمومی) - همانطور که توضیح داده شد در کنار دوره آموزش متوسطه عمومی، دوره آموزش متوسطه فنی که خود شامل چندین رشته است قرار دارد. پس از بررسی وضع آموزش متوسطه عمومی به آموزش متوسطه فنی نیز اشاره خواهد شد.

تعداد دبیرستان های عمومی در سراسر کشور از ۱۷۱۶ در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵ به ۱۸۲۴ در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ رسید. در همین دوره تعداد دانش آموزان دبیرستان ها از ۷۱۱،۴۰۴ نفر به ۷۵۶،۲۳۳ نفر افزایش یافت. از این تعداد ۹۴/۱۷٪ در شهرها و ۵/۸۳٪ در مناطق روستائی مشغول تحصیل بودند. علاوه بر این، ۱۰،۸۵۹ نفر در دبیرستانهای شبانه تحصیل می کردند.

در مدارس فنی و حرفه ای کشور در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶ هم از حیث تعداد مدارس و هم از حیث تعداد دانش آموزان نسبت به سال تحصیلی قبل از آن افزایش مشاهده میشود. چنانکه تعداد مدارس حرفه ای در سال تحصیلی ۵۶-۱۳۵۵ و ۶۱۶،۱۳۵ و در سال تحصیلی ۵۷-۱۳۵۶، ۶۷۵،۱۳۵ واحد بود. در این دوره تعداد هنرجویان از ۲۰۱،۴۷۲ نفر به ۲۳۲،۷۵۵ نفر افزایش یافت. هنرجویان مورد بحث به ترتیب در مدارس فنی و حرفه ای زیر مشغول تحصیل بودند: هنرستان های صنعتی ۱۱۲۲۹ نفر، هنرستان های روستائی ۱۰۶۸ نفر، آموزشگاه های حرفه ای ۱۴۱۹ نفر و آموزش خدمات ۳۹۰۰۰ نفر. برای اطلاع از میزان توجه به توسعه مدارس فنی و حرفه ای کشور لازم است بدانیم که در سال ۱۳۵۶ تنها حدود ۵٪ بود جمعیت آموزش و پرورش به این بخش اختصاص یافته بود.

حال اگر بخواهیم توزیع تعداد دانش آموزان را در رشته های مختلف جمع بندی کنیم و آمار کودکان آنها، دانش آموزان مدارس کودکان استثنائی، آموزش بزرگسالان و تربیت معلم را به حساب آوریم این نتیجه حاصل می شود که در سال ۵۷-۱۳۵۶ تعداد افراد تحت تعلیم وزارت آموزش و پرورش برابر با ۸،۹۱۴،۸۴۲ نفر بوده است که از این عده حدود ۴۰٪ در روستاها و ۶۰٪ در شهرها مشغول تحصیل بودند.

چند پیشنهاد - چنانکه می دانیم سیستم آموزشی غیر مکرراتیک طاغوت دو ارثیه شوم و بد فرجام بجا گذاشت که جامعه ما به شدت از آن رنج می برد: یکی وجود بیش از ۷۳٪ بیسواد در کشور (بنابر آمار مراجع دولتی) و دیگری هجوم بیسواد و ناآموزین درندگان دیپلم متوسطه به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی. از این رو برای ایجاد هر نوع دگرگونی در برنامه های آموزشی پیش از دانشگاه باید به ویژه اساسی توجه داشت: نخست لزوم مبارزه با بیسوادی و ریشه کن ساختن آن دوم توجه به نیازهای مردم دوران بعد از انقلاب. به موجب این نیازها باید مدارس فنی و حرفه ای را برای تربیت استاد کار توسعه داد تا نیروی کار لازم برای اجرای برنامه های اقتصادی فراهم آید و از سوی دیگر هجوم غیرعادی داوطلبان تحصیلات عالی کاهش یابد.

برای رسیدن به هدف های مذکور اقدامات زیر ضروری بنظر می رسد.

- ۱- افزایش تعداد مدارس شهرها و روستاها. برای حل مشکل کمبود فضای آموزشی باید بودجه بیشتری به این امر اختصاص داد تا بتواند به خصوصیات قومی و محلی، برنامه های لازم برای ساختمان

مدارس جدید تنظیم گردد. به موازات توسعه فعالیت های مربوط به احداث ساختمان مدارس باید در موارد اضطراری از راه اجاره ساختمان های مناسب و ارزان در رفع کمبود فضای آموزشی کوشش نمود. از آنجا که اکثریت مردم ایران در مناطق روستائی زندگی می کنند و از برکت رژیم طاغوت سهم ناچیزی از امکانات آموزشی در اختیار آنان بود، از این پس باید قسمت اعظم امکانات آموزشی در اختیار روستائیان قرار گیرد تا ظلم فاحشی که از این بابت در حق آنان روا داشته اند به تدریج برطرف شود.

۲- تا زمانی که فضای آموزشی کافی فراهم نشده، باید از فضای آموزشی موجود حداکثر استفاده به عمل آید و از طریق ایجاد مدارس چندنوبتی در فضای واحد ساله کمبود فضای راقماتحادی جبران نمود. در حال حاضر برای فراهم کردن امکان سواد آموزی برای تعداد بیشتری از فرزندان کشورمان لازم است که کلیه مدارس در دو نوبت مورد استفاده قرار گیرند. بدیهی است که با این اقدام ظرفیت مدارس به دو برابر افزایش می یابد.

۳- برای رفع کمبود معلم نخست باید از راه پرداخت اضافه کار به معلمان ساعات کار آنان را ردی که به کیفیت کار لطمه وارد نکند بالا برد. استفاده از جوانان تحصیل کرده (بیکار) که تعدادشان در حال حاضر کم نیست) پس از طی دوره آموزشی کوتاه مدت و آماده کردن آنان برای تدریس به رفع کمبود نیروی کار لازم کمک می کند. علاوه بر این، از نیروی بازنشستگان واجد شرایط و معتقد به انقلاب نباید غافل ماند. تعداد زیادی از آنان می توانند برای باسواد کردن هم وطنان خود مفید واقع شوند.

۴- باید در سراسر کشور با استفاده از فضا و امکانات ادارات و سازمان های دولتی و مدارس به ایجاد کلاسهای شبانه برای سواد آموزی بزرگسالان پرداخت و از همه مردم معتقد به انقلاب که از شرایط سواد آموزی برخوردارند، دعوت کرد تا در این امر خطیر میهنی و انقلابی شرکت کنند. بدیهی است که به داوطلبان قبلا باید تعلیمات لازم داده شود.

۵- برقراری شیوه آموزشی مکاتبه ای برای جوانان و زحمتکشان که امکان ورود به مؤسسات عالی آموزشی را ندارند. با استفاده از این روش می توان بدون نیاز قابل ملاحظه به معلم و دبیر فضای آموزشی به افزایش تعداد دانشجو کم کرد و مخصوصا برای افرادی که ضمن کار مایل به ادامه تحصیل هستند امکانات لازم را فراهم ساخت.

با ایجاد کلاس های مبارزه با بیسوادی در واحدهای تولیدی باید کارگران را به سواد شدن تشویق کرد و در صورت لزوم اوقات سواد آموزی را جزو ساعات کار آنان به حساب آورد.

۶- افزایش تعداد دانشسراها و مراکز تربیت معلم. وزارت آموزش و پرورش وظیفه دارد با توجه به رشد سالانه جمعیت در ایران به تنظیم برنامه های آموزشی برای سراسر کشور بپردازد و بر حسب نیاز جامعه به معلم تعداد دانشسراها و مراکز تربیت معلم را افزایش دهد. به نحوی که پس از مدتی نیروی کار لازم برای آموزش فرزندان کشور فقط از طریق این مراکز تأمین گردد و بدین ترتیب به کیفیت امر آموزش حداکثر توجه مبذول شده باشد.

۷- توجه جدی به آموزش فنی و گسترش شبکه مدارس فنی و حرفه ای. از آنجا که انقلاب خلقی ایران یکی از اهداف عمده خود را صنعتی شدن کشور می داند، مقامات مسئول از هم اکنون باید به لزوم توسعه مدارس فنی و حرفه ای توجه داشته باشند و با تنظیم

برنامه های دقیق آموزشی در جهت رفع نیاز حال و آینده کشور به استاد کاران تلاش جدی به عمل آورند. با افزایش طبقه برنامه این گونه مدارس و تشویق جوانان به ورود به این مراکز نه تنها یکی از احتیاجات مبرم بازار کار برطرف خواهد شد، بلکه از میزان هجوم جوانان به دانشگاه ها کاسته می شود و در اثر این اقدام و اقدامات لازم و موثر دیگر به تدریج بین تعداد داوطلبان ورود به مؤسسات آموزش عالی و امکان پذیرش دانشجو به وسیله این مؤسسات تعادل برقرار می گردد.

۸- تجدید نظر اساسی در برنامه های آموزشی همانطور که تاکنون دست اندرکاران بکرات اشاره کرده اند، برنامه های درسی در کلیه سطوح تحصیلی باید بوسیله هیأت های صالح و متخصص و مومن به انقلاب مورد تجدید نظر کامل قرار گیرد. در تنظیم این برنامه ها باید کوشید که در وسع تا حد امکان تلخیص گردد و مطالب زائد حذف شود و بجای آن مطالبی گنجانده شود که دانش آموزان بتوانند با دانش امروزی آشنائی بیشتری پیدا کنند. عشق به میهن و مردم و نفرت از امپریالیسم باید مضمون اساسی آموزش در مدارس باشد. برای این کار باید از تحریف های تاریخی اکتفا پرهمیز نمود و حقایق را چنانکه هست در اختیار دانش آموزان گذاشت.

باتوجه به این اقدامات و راهلهائی که با این مضمون از جانب جمعیت ها و سازمان های مختلف انقلابی و دموکراتیک و شخصیت های مومن به انقلاب پیشنهاد شده می توان انتظار داشت که پس از مدتی بیسوادی در ایران ریشه کن گردد و علاوه بر این موجبات برخورداری از کلیه امکانات آموزشی برای کلیه افراد کشور فراهم آید و در نتیجه نیاز اقتصادی ایران در آینده به نیروی کار لازم و کارا در سطوح مختلف بر طرف گردد.

سیاست خارجی مستقل ...

دولت امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا همواره سعی داشته اند تا دولت هند را از خط مشی اصولی و سیاست خارجی مستقل خود منحرف سازند و برای این منظور از هیچگونه توطئه و تحریک بوسیله عناصر و نیروهای ارتجاعی داخلی و دامن زدن به اختلافات درونی این کشور فرورکنند. این اقدامات و چین در اقدامات تحریک آمیز و ایجاد تشنجات و دگرگونی های فردی با کشور مستقل هند، دستیاران فعال امپریالیسم آمریکا در این توطئه ها علیه هند می باشند. اما به رغم همه تلاشهای امپریالیسم جهانی و دستیاران منطقه ای آن، دولت هند بویژه در دوره های نخست و زیری بانواند یسرا گاندی پیگیرانه و با موفقیت سیاست خارجی اصولی ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و صلح جویانه خود را اعمال نموده و در میان خلقهای ترقیخواه و صلح دوست جهان مقام شامخی بدست آورد. دولت هند در راه تقویت جنبشهای رهائی بخش خلقها، دفاع از استقلال ملی و حفظ صلح جهانی با کامیابی استواری به پیش می رود.

اتحاد مردم
مدیر مسئول و صاحب امتیاز:
محمود اعتمادزاده (م.ا. به آذین)
سر دبیر: محمد تقی پرومند
صندوق پستی ۱۱۱۷/۳۱۴ - منطقه ۱۳
خوانندگان و دوستان ارجمند و همه مراجع رسمی و غیر رسمی می توانند به آدرس فوق با ما مکاتبه کنند.

بقیه از صفحه ۱ سپیده دم پیروزی

این شکست را با خونسردی تحمل کند؟ حضورانبوه نیروهای زمینی و هوایی و دریایی آمریکا متحدانش در آبهای خلیج فارس، تمرین های سپاه واکش سریع در خاک مصر و یوگوسلاوی ها، عمان، دورکردن کی سینجروفرماندهان نظامی آمریکا در کشورهای منطقه، موج تبلیغات ضد ایرانی در آمریکا و کشورهای دیگر، تمرکز نیروهای پاکستان در مرز بلوچستان - جنوب و جوش عوامل ضد انقلاب در داخل ایران، همه و همه به بانگ رساپاسخ می دهند که نه جنگ با آمریکا ادامه دارد و طولانی خواهد بود. و در وهله نخست، باید مراقب بود که اگر هم اسرائیل به اشاره آمریکا به وسوسه پیشدستی در جنگ برای پرکردن خلأی که شکست صدام به وجود می آورد نیفتد، رژیم های خود فروخته عرب می توانند برای حفظ خود و خدمت به امپریالیسم فریاد و اعتراضات سرد هند و پیش از آن که کارزار یکدیگر در رژیم ضد انقلاب اسلامی در بغداد علم کنند. نباید چنین مجالی به دشمن داد. ما اکنون، بهیچ وجه از جان گذشتگی و خون پاک جوانان ایران، که در اکثریت قاطب خود از میان توده های مستضعف، از میان کارگران و زحمتکشان محروم شهر و روستا برخاسته اند، در سپیده دم پیروزی هستیم. تا برآمدن خورشید پیروزی در آسمان انقلاب ایران هنوز زمانی باقی است. این زمان، زمان دشواریها و همت مردانه برای غلبه بر آنهاست. کار به خود ستایی و یاد و بروت نمی گذرد. پیروزی رانه تنها در فتنان جنبه تاکتیکی بلکه در سطح استراتژی جهانی باید تدارک دید. همچنان که ضد انقلاب در شبکه جهانی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع به هم پیوند خورد، ایران انقلابی هم باید جای خود را در صف انقلاب جهانی پیدا کند و بدان پیوندد. با شتاب که آمریکا متحدانش در ناتو و دیگر اتحادیه های امپریالیستی و ارتجاع، برای برافروختن آتش جنگ و سرکوب انقلاب در جهان کوشه، جهان نشان می دهند، بی افسراق می توان گفت که فرصت کم است. از همه و دود پیشدستی و تصمیم و پنداری باید برد آمد و واقعیت سیاست جهانی را که ایران جزئی از آن خواهد بود، زیر تأثیر آن است، با واقع بینی و صلح اندیشی انقلابی در نظر آورد. انقلاب اسلامی ایران که مهر رنج و امید مستضعفان بر پیشانی دارد و تنها به رهبری مستضعفان به خود وفاداری ماند و به پیروزی می رسد، باید دست برداری به سوی انقلاب های زحمتکشان در هر گوشه جهان بدهد. خواه در رویتنام و لیبی و کوبا باشد و خواه در یمن، جنوب واتیوپی و افغانستان. بویژه باید دوستی اتحاد شوروی و اردوگاه سوسیالیسم را با صداقت و بیگیری متنظم شمرد. این دوستی کمترین مغایرتی با سیاست نه شرقی نه

غربی" که بیانگر اراده مردم انقلابی ایران به حفظ استقلال کامل خویش است ندارد. شرق از ما وابستگی نمی خواهد، بلکه انتظار دارد که در سیاست جهانی نقش مستقلی به خود کشور و انقلاب و توده های مستضعف داشته باشیم. راه پیروزی همین است و بس.

شب هفت

قدر همه را نگریند بود. چشمز می بارید. زنبه می باریدند. آسمان می بارید. مرد توی زیر زمین از جا بلند شد. فریاد فاطمه خانم را در میان صداها شناخت. این صدا آشنا بود. زیر لب زمزمه می کرد. با خودش حرف می زد. راه افتاد. از این طرف به آن طرف. می غریب. می خروشید. اما نمی توانست از زیر زمین خارج شود. زنبه بر سینه می کوبیدند. مرد دور زیر زمین راه می رفت. می غریب. آسمان می بارید. فاطمه خانم جیغ می کشید. "حسین ام... حسین جون. کجایی؟" به سروسینه می زد. مرد قدم می زد. تا پشت در می آمد. اما بر می گشت. مرد در رقص تنگ خود می غریب. محمود از پشت شیشه های اتاق، از آنسوی حیاط نگاه می کرد. می خواست مشت برد یوار کوبید. مشت برد یواری کوبید. و از پشت شیشه نگاه می کرد. فاطمه خانم حالش به هم خورد.

آب بیارید... آب...
روضه تمام شده بود.

* * *

باران زمین را شسته بود. آسمان باز شده بود. دیوارها نمناک شده بودند. بوی خوش گاهگل در فضا بود. محمود توحیاط ایستاد. نفسی عمیق کشید. قفسه سینه را باز کرد. هوار از ریه برد و بیرون داد. لب حوی نشست. فاطمه خانم حس می کرد سبک شده است. کوبی با سرنشینی را از دستش پائین گذاشته اند. خوشایند آن، همسایه ها، هر کدام خواسته بودند که کمک کنند. پیش فاطمه خانم بمانند. فاطمه خانم با خوش و بش همه را رد کرده بود. "حالم خوبه، به خدا خوبه. مزاحم هیچکس نمی شم... قربون شما زحمت نکشید." و از همه تشکر کرده بود. و حالا صورتش باز شده بود. حس می کرد گلویش باز شده است. چشمانش می بیند. کوششهایش می شنود. و دلش می خواهد همه چیز را دوباره نگاه کند. به مردش نگاه می کرد و بانگاش می گفت: حسابی شکسته شدی (مرد حس می کرد که زن بانگاش می خواهد بگوید که شکسته شدی - مرد بانگاش می گفت که: حقی باتوان اعصار ام، بینی؟ و عیاشی رانگان می داد. زن نگاهش را بر گرداند. محمود رانگریست. لب حوی نشسته بود و آب به سروسورتش می ریخت. "چه می کشد این پسر!... زیر لب گفت. محمود از جا بلند شد ایستاد. سروسورتش را گرفت. سرفراز. دستش به موهایش کشید.

صاف شد. نگاهش در نگاه مادر کره خورد. لبانش شکفت. لبانشان شکفت. محمود فکر کرد به بچه ها قول داده است. شب سرافشان برود و ترتیب تظاهرات را بدهند. باید زودتر می رفت. جلر سجد می ایستادند. شمارم دادند تا همه جمع شوند. محمود فکر کرد "دیگر باید رفت" سینه را جلو داد. نگاهش به پدر انداخت. رویه مادر گفت:

من رستم.

مادر پرسید: - کدا؟

محمود گفت. مسجد... .

پدر رتبه عصارا محکم. زمین زد.

مادر را دست از محمود ببرد که چه خبره؟ و نرسید. خواست بگوید که "بابا" نگاه کرد و نگفت. محمود که به سمت در حرکت کرد. پدر عصارا به زمین می کوبید. مادر فکر کرد انگار حسین است که می رود. محمود با کامهار محکم خود انگار فریاد می زد: "من حسین دیگرم" و می رفت.

آسمان باز بود. ابرها کنار رفته بودند. شب ستاره باران

بقیه از صفحه ۱ مسابقه تسلیحاتی

مردم ضرورت دارد. با این همه، نباید این واقعیت را از یاد برد که زحمتکشان آمریکا هنوز به سطح عالی آگاهی راه نیافته اند که بتوان از جنبش واقعی توده های به معنای اخصی کلمه سخن به میان آورد. آمریکایی ها بیش از پیش از راه خود را بر ضد سیاست آزار و شکنجه و تبعیض نژادی ابراز می دارند. این جنبشها امکان دادند که پیروزی های متعددی مخصوصاً در زمینه آزادی زندانیان سیاسی سیاهان و بیوتوریکوئی ها به دست آید. با وجود این، این جنبش بنا بر انتظارات هنوز جنبه توده ای و گسترده ندارد و آنچه بسیار اهمیت دارد، این است که توده های وسیع سفید پوستان را به مبارزه گسترده با نژاد پرستی جلب نکرده است.

همان کامیابی ها و همان نارسائی ها برای مبارزه در راه صلح و همبستگی ضد امپریالیستی به چشم می خورد. مثلاً مخالفت شدید با جنگ تجاوزکارانه آمریکا بر ضد ویتنام، دولت را مجبور کرد احضار اجباری سربازان را لغو کند و نیروهای ارتش را از او طلبان تأمین نماید. در حال حاضر که عملیات نظامی خطرناک ترمی شوند، رهبران نظامی آمریکا نمی توانند امید واریا باشند که بعد از کافی او طلب داشته باشند از این رو، ثبت نام برای خدمت نظامی اجباری دوباره آغاز شده است. اما میلیون ها جوان آمریکایی اعلام داشته اند که حاضر نیستند به خاطر مقاصد توسعه طلبانه امپریالیسم آمریکا در ارتش ثبت نام نمایند. تصویب قانون خدمت وظیفه اجباری می تواند جنبش عظیمی به هواداری از صلح بوجود آورد.

همزیستی مسالمت آمیز دفاع از استقلال ملی و مبارزه بر ضد امپریالیسم می باشد. دولت هند سالهاست که در ادامه سیاست مستقل ملی و سیاست عدم تعهد، درست به علت اصالت این سیاست و پیوند ارگانیک آن با خط مشی ضد امپریالیستی، استقلال طلبانه و صلح جوینان این کشور پیوسته برای مناسباً خود با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اهمیت ویژه قائل است.

بانوان هند ایرانکندی نخست وزیر هند و ستان در آستانه دیدار چندی پیش لئونید برزنف در بیبرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صد رهیت رئیس شورای عالی اتحاد شوروی از هند اظهار داشت: "دوستی باششوروی برای هند یک مسئله اصولی است و در کشور تصمیم دارند این دوستی را تحکیم و گسترش بخشند. وی افزود: "دوستی اتحاد شوروی با هند یکی از عوامل مهم حفظ صلح جهان است. در اعلامیه مشترک هند و شوروی که در پایان دیدار لئونید برزنف از هند انتشار یافت در کشور هند و اتحاد شوروی استحکام مبنای صلح و جلوگیری از وقوع جنگ جهانی جدید را بهترین هدف بشریت می دانند. اتحاد شوروی و هند دعوت می کنند که برای پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، بویژه قطع مسابقه تسلیحات هسته ای، باید رنگ تدابیری اتخاذ شود. طرفین روی ضرورت حل و فصل همه جانبه و عادلانه مسئله خاور میانه تأکید کرده مخالفت جدی خود را با مداخله در امور کشورهای جنوب غربی آسیا ابراز داشتند. اتحاد شوروی و هند سیاست تبعیض در روابط اقتصادی بین المللی را بقیه در صفحه ۶

دست نشانده آن در منطقه را علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم کرده است.

معاون وزیر امور خارجه هند آقای رام دی ساند در تابستان سال جاری در گفتگویی با خبرنگاری پارس در مورد دیدار هیئت نمایندگی هند که به ریاست وزیر اقتصاد و وزیر گانی هند به ایران آمده بود اظهار داشت: هدف عمده این دیدار ایجاد تفاهم بیشتر در روابط دو کشور است. ولی در مورد محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و نقشی را که هند بتواند در دفع آن داشته باشد گفت: "ما برای درهم شکستن این محاصره کمکهای لازم را به ایران خواهیم کرد. روابط اقتصادی ما با ایران کاملاً عادی است و در مورد مبادلات کالا میان هند و ایران هیچگونه محدودیتی وجود ندارد."

یکی دیگر از نمونه های برجسته سیاست خارجی مستقل هند تصمیعی است که چندین پیش دولت هند در مورد شناسائی و برقراری روابط سیاسی با جمهوری تودهای کامپوچیا اعلام نمود. دولت هند با این تصمیم نشان داد که علیرغم توطئه ها و تبلیغات محافل امپریالیستی در مورد مسئله کامپوچیا هنوز از حق حاکمیت خود با قاطعیت استفاد می کند. دولت هند با شناسائی دولت کامپوچیا بار دیگر واقع بینی خود را در برابر مسائل مغرب بین المللی به ثبوت رسانید و همچنین گامی سازنده در راه تشنج زدائی در منطقه بر داشت.

سیاست خارجی دولت هند در روابط با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از نمونه های بارز روابط کشورهای دارای نظامهای اجتماعی متفاوت در چارچوب اصول

دست نشانده آمریکا در منطقه، بویژه پاکستان بود. دولت هند در بحران خاور میانه از جنبه پایبندی کشورهای عربی و سازمان آزاد یخس فلسطین در برابر تجاوز اسرائیل پشتیبانی می کند و سیاست تجاوزی اسرائیل و امپریالیسم آمریکا را در این منطقه محکوم می کند. دولت هند وجود پایگاه های نظامی و حضور روزافزون نظامی آمریکا در منطقه قیادت هند و خلیج فارس را به درست، منبع اصلی تهدید صلح و امنیت خلیجها و کشورهای مستقل ملی در این منطقه می داند و پیشنهاد تبدیل منطقه قیانون هند به منطقه صلح و امنیت پشتیبانی می کند. دولت هند با شناخت واقع بینانه از آرایش نیروها در عرصه بین المللی و درک عمیق منافع استقلال ملی، روابط خود با کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول با اتحاد شوروی را در همه زمینه ها گسترش می دهد و توسعه این روابط را عامل مهمی برای استحکام مبنای استقلال ملی، تقویت مبارزه ضد امپریالیستی و تثبیت استقلال اقتصادی خود می داند.

کارنامه سیاست خارجی هند طی تمام دوران استقلال نشان می دهد که برای این کشور اصول عدم تعهد و همزیستی مسالمت آمیزه تنها بهیچ روی ناقص پشتیبانی از همه کشورها، جنبش ها و نیروهای مترقی و ضد امپریالیستی نیست بلکه تنها از این طریق به پیگیرترین وجهی تحقق می پذیرد.

دولت هند از نخستین روز پیروزی انقلاب شکوهمند ایران و استقرار جمهوری اسلامی در کشور ما همواره از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی نموده، نقشه ها و توطئه ها و مداخله گرانه امپریالیسم آمریکا و رژیم های